

## دوست خوبم، سلام

واژه «فارسی» را در اینترنت جست‌وجو می‌کنیم. در همان صفحهٔ اول می‌آید: «سفارش غذای آنلاین»، «فارسی - ویکی‌واژه» و چیزهایی شبیه این‌ها.

با این حساب «زبان فارسی» اگر در حال تحوّل اساسی نباشد، دست کم دستخوش تغییرات نه چندان خرد و کوچک است. سرعت تغییرات در فضای مجازی، سایت‌های اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هر جنبه‌ای از زندگی‌مان که به دیجیتال و الکترونیک مربوط است، چنان زیاد است که روی تمام حیطه‌های زندگی و به ویژه حرف‌زدنمان تأثیر می‌گذارد و با این تغییرات، فاصلهٔ ما از چیزی که به نام زبان فارسی معیار یا ادبی می‌شناسیم، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. درس فارسی، از جنبهٔ درسی‌اش که بگذریم، شاید مهم‌ترین ابزار و گاهی وقت‌ها اساسی‌ترین بهانه‌ای است که این فاصله را کم می‌کند. متن‌های قدیمی از نظم و نثر گرفته، حکایت‌ها و قطعه‌ها در عین حال که اطلاعات و فرهنگ بازمانده از قرن‌های پیشین را به ما منتقل می‌کنند، نقطهٔ اتصال زبان و گفتار امروزمان با شیوهٔ سخن‌گفتن و نوشتار نیاکانمان است.

تغییر و تحول نه‌تنها بد نیست، که بسیار هم لازم است؛ اما به یکباره بریدن از گذشته و میراثی که داشته‌ایم اگر هم بد نباشد، دست کم چندان خردمندانه نیست.

به حساب حرف‌های بالا و از آن‌جا که بالأخره «فارسی» درسی است مهم از دروس امسال‌تان، به قول علما «احتیاط واجب» آن است که درست و حسابی یادش بگیرید.

مؤلفان خوبمان کتابی خوب و ویژه برای آن‌که فارسی را با همهٔ نکته‌ها و ترفندهایش، به راحتی و شیرینی یاد بگیرید برایتان نوشته است. ضمن سپاس از ایشان که وجودشان آزردهٔ گزند مباد و با اقرار به خوبی و پاکیزگی آن‌چه نوشته‌اند، به سبب آن‌که خوانندهٔ کتاب شما باشید، نظر‌تان از هر کس دیگری برایمان مهم‌تر است. برایمان چه روی کاغذ و چه در فضای مجازی بنویسید که این کتاب چگونه است؟ از کاستی‌ها و فزونی‌ها کدام را دارد و با چه چاره‌ای بهتر و نیکوتر می‌شود.

به زبان فارسی راحت این‌که:

بگید چند چندیم؟ و چه‌طوری خفن می‌شیم؟

خوب و خوش باشید.



تقدیم به

دکتر علیرضا منوچهریان

مترجم شهیر دیوان متنبی در ایران

تقدیم به

خواهر عزیزم که یادش همیشه در  
جانم است.

مجتبی احمدوند

اکرم صالحی نیا



### نقشه گنج - نقشه بیست

دزدان دریایی سنگدل و بی رحمی به رهبری ناخدایی یک پا و یک چشم که یک طوطی همراه خود دارد، می خواهند وارد جزیره ای گرمسیری شوند و به کمک نقشه ای که در چند جای آن علامت  دارد، جزیره را زیر و رو کنند و گنج پنهان آن را بیابند. این ها تصوّرانی است که عموماً از کتاب «جزیره گنج» رابرت لویی استیونسن<sup>۱</sup> سرچشمه می گیرد. ادبیات تا این اندازه می تواند تأثیرگذار باشد؛ آن اندازه که طی قرن ها، نگاه انسان ها به هر موضوعی را دگرگون سازد. در ادب فارسی نیز «گنج» همیشه همراه «طلسم» است و آن کسی که خواهان گنج باشد باید زحمت گشودن طلسم را هم به خود بدهد:

طلسم بسته را با رنج یابی      چو بگشایی، به زیرش گنج یابی نظامی

گرفتن نمره «بیست»، رسیدن به همان «گنج» است که نقشه ای دارد و حتی گاهی طلسمی! باید برایتان چند جای جزیره را علامت  بزنیم تا به راحتی به آن چه می خواهید برسید. پیشنهاد می کنیم تا نقشه گنج (مقدمه کاربردی) را به خوبی بررسی نکرده اید، وارد جزیره (کتاب) نشوید؛ از ما گفتن!

### نمره بیست با ماجرای بیست

می دانیم که مهم ترین هدف شما از خواندن این کتاب، گرفتن نمره عالی در امتحان نهایی است و ما برای رسیدنتان به این خواسته، برنامه دقیقی داریم. این کتاب از پنج بخش تشکیل شده که هر قسمت ارزش خود را دارد و لازم است که با هر یک از آن ها به خوبی آشنا شوید:

#### ۱ درس نامه

در این قسمت ما تمام متن کتاب درسی را بی کم و کاست آورده ایم و واژه به واژه، سطر به سطر، بیت به بیت تمام نکات آن را شرح کرده ایم. در این بخش از نشانه های زیر استفاده کرده ایم:

**لغت** معنی تمام لغت های سخت کتاب را برایتان آورده ایم و لغت های واژه نامه ای را برایتان رنگی کرده ایم.  
**معنی** عبارت یا بیت را به نثر روان معنی کرده ایم. **مفهوم** مفهوم کلی عبارت یا بیت را آورده ایم. **آرایه** نکات مربوط به قلمرو ادبی و آرایه ها را در این جا گفته ایم. **دستور** مطالب دستوری را هم با این نشانه مشخص کرده ایم.  
**نکته** هر جا که نیاز به توضیح بیشتر یا بیان نکته ای برای درک بهتر موضوع بوده از این نشانه استفاده کرده ایم.

#### ۲ ایستگاه آرایه و دستور

تمام نکات آموزشی لازم در بخش دستور زبان و آرایه های ادبی در قالب «ایستگاه دستور» و «ایستگاه آرایه» آمده است. نگاه ما در آموزش این بخش ها مروری و تکمیلی بوده؛ به این معنا که هر آن چه از سال های قبل مورد نیاز شماست، به طور کامل توضیح داده ایم و نیازی به مراجعه به کتاب یا جزوه های سال های قبل ندارید.

#### ۳ سؤال های امتحانی

بعد از آن که دو مرحله بالا را پشت سر گذاشتید، حالا نوبت سؤال های امتحانی است که تمام زوایای درس را نشانه بگیرد و اگر نکته ای از چشم شما پنهان مانده، آن را یادآوری کند. در بخش سؤال های امتحانی، سؤالات دشوار با علامت  مشخص شده اند؛ اما این کار به معنای آن نیست که این سؤالات از اهمیت بالاتری برخوردارند، بلکه مفهوم این نشانه آن است که برای پاسخ به این سؤالات باید دقت و گاه دانش بیشتری داشته باشید.

۱. رابرت لویی بالفور استیونسن (Robert Louis Balfour Stevenson) این کتاب را در سال ۱۸۸۳ منتشر ساخت.

#### ۴ آزمون‌های پایانی

برای آمادگی تمام‌عیار و آشنایی کامل با آزمون‌های پایانی نیم‌سال اول و دوم، ۵ آزمون جامع برایتان آورده‌ایم. آزمون‌های شماره یک و دو مربوط به نیم‌سال اول و ۳ آزمون دیگر برای نیم‌سال دوم طراحی شده‌اند.

#### ۵ ضمیمه رایگان (کتابچه همراه)

حتماً برایتان پیش آمده که در مسیر رفت و آمد از مدرسه، زنگ تفریح، تعطیلی یک زنگ بین زنگ‌های دیگر و ... فرصتی می‌یابید تا مطالعه کنید اما در این زمان شاید اندک، نمی‌دانید چه‌طور می‌توانید از وقت خود به بهترین شکل استفاده کنید. ضمیمه کتاب ماجرایی بیست فارسی به شما این امکان را می‌دهد، در هر جا و در هر زمانی به محتوای کتاب درسی دسترسی داشته باشید و آن را بارها و بارها بخوانید.

ساختار این کتابچه به این صورت است که در بخش نخست، معنای واژه‌های مهم کتاب را به صورت تفکیکی (درس‌به‌درس) آورده‌ایم. این واژه‌ها هم کلمات معنی‌شده در پایان کتاب درسی را شامل می‌شود و هم واژه‌هایی که در متن درس مهم هستند اما در کتاب درسی معنایشان نیامده و ما هر دو را کامل آورده‌ایم. در بخش دوم با چکیده دستور زبان فارسی و آرایه‌های ادبی روبه‌رو می‌شوید. همه آن‌چه در این مورد نیاز دارید در کاربردی‌ترین صورت ممکن با مثال‌های گوناگون آمده است. در بخش سوم نیز خلاصه‌ای از هر درس را می‌بینید. در این بخش علاوه بر ذکر تمام نکات مهم زبانی، ادبی و فکری هر درس، پاسخ کارگاه‌های متن‌پژوهی و مطالب مهم گنج حکمت، روان‌خوانی و شعرخوانی به طور کامل آمده است. این کتابچه را هرگز از خودتان دور نکنید و در کنار کتاب اصلی، هر روز در هر فرصتی حتی شده چند سطر آن را بخوانید و درس‌هایتان را با آن مرور کنید.

امیدواریم که در راه رسیدن به «گنج دانش» یاریگر خوبی برایتان باشیم و شما نیز بتوانید با تلاش و همت آهنین خود به آن‌چه سزاوارش هستید دست یابید.

نه سیر آید از گنج دانش کسی      نه کم گردد از زو ببخشید بسی  
بِه از گنج دانش به گیتی کجاست؟      که را گنج دانش بود پادشاست! اسدی طوسی

#### سپاسگزاری

در گردآمدن چنین کتابی، بسیار عزیزان که زحمت کشیدند و عمر گران‌قدر را صرف به بار نشستن درخت دانش کردند. آنان که اگر هر یکی‌شان نبود، کار به چنین بار نمی‌رسید. آقای دکتر کورش بقایی راوری که چون همیشه سایه بلند دانش و منش تمام‌عیارش بر ما بود. دکتر ابودر نصری و دکتر کمیل نصری که آغازگران راهی تازه در دانش‌اندوزی و آموزش بوده و هستند. آقای مهدی هاشمی، مدیر تألیف بی‌نظیر که پس از سال‌ها کار با ایشان در هر فصل جدید، بسیار از ایشان می‌آموزیم و لذت می‌بریم. سرکار خانم دورینا جوادی که با پیگیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق و هماهنگی‌های بسیار، راه را برایمان هموار کردند. کارشناسان محتوایی کتاب خانم نوشین الهامی و آقای مهدی صیرفی‌انپور و هم‌چنین ویراستاران عزیزمان خانم‌ها و آقایان آزاده شریفی، محمدهادی روحانی، شهلا داهی، سارینا نوری، محمدحسام حاجی فرج‌الله، پروانه داوطلب محمودی، زهرا سیدقاسم، سارینا ابراهیمی، عصمت بقائی راوری، زهرا صادقی مالواجردی، دکتر رضا خبازها، دکتر شهنام دادگستر، دکتر گودرزی و اسماعیل تشیعی که با نکته‌سنجی، تیزبینی و دانش خویش، ما را وام‌دار خویش نمودند. گروه تولید انتشارات خیلی‌سبز که بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و با دقتی و ذوقی مثال‌زدنی، کار را به انجام رساندند. از همه عزیزان از صمیم جان سپاسگزاریم.

ارادتمند همه شما مهربانان

# فهرست

|     |                             |
|-----|-----------------------------|
| ۱۴۹ | گنج حکمت: تیرانا            |
| ۱۵۰ | سؤال‌های امتحانی درس دهم    |
| ۱۵۷ | <b>درس ۱۱:</b> آن شب عزیز   |
| ۱۶۱ | کارگاه متن‌پژوهی            |
| ۱۶۲ | شعرخوانی: شکوه چشمان تو     |
| ۱۶۴ | سؤال‌های امتحانی درس یازدهم |

## فصل ششم: ادبیات حماسی

|     |                                 |
|-----|---------------------------------|
| ۱۷۳ | <b>درس ۱۲:</b> گذر سیاوش از آتش |
| ۱۷۹ | کارگاه متن‌پژوهی                |
| ۱۸۱ | گنج حکمت: به جوانمردی کوش       |
| ۱۸۲ | سؤال‌های امتحانی درس دوازدهم    |
| ۱۹۳ | <b>درس ۱۳:</b> خوان هشتم        |
| ۱۹۹ | کارگاه متن‌پژوهی                |
| ۲۰۰ | شعرخوانی: ای میهن!              |
| ۲۰۱ | سؤال‌های امتحانی درس سیزدهم     |

## فصل هفتم: ادبیات داستانی

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۲۱۱ | <b>درس ۱۴:</b> سی مرغ و سیمرغ |
| ۲۱۷ | کارگاه متن‌پژوهی              |
| ۲۱۹ | گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر!  |
| ۲۲۰ | سؤال‌های امتحانی درس چهاردهم  |
| ۲۳۱ | <b>درس ۱۶:</b> کباب غاز       |
| ۲۴۰ | کارگاه متن‌پژوهی              |
| ۲۴۱ | روان‌خوانی: ارمیا             |
| ۲۴۴ | سؤال‌های امتحانی درس شانزدهم  |

## فصل هشتم: ادبیات جهان

|     |                            |
|-----|----------------------------|
| ۲۵۸ | <b>درس ۱۷:</b> خنده تو     |
| ۲۵۹ | کارگاه متن‌پژوهی           |
| ۲۶۱ | گنج حکمت: مسافر            |
| ۲۶۲ | سؤال‌های امتحانی درس هفدهم |
| ۲۶۹ | <b>درس ۱۸:</b> عشق جاودانی |
| ۲۷۰ | کارگاه متن‌پژوهی           |
| ۲۷۰ | روان‌خوانی: آخرین درس      |
| ۲۷۴ | سؤال‌های امتحانی درس هجدهم |
| ۲۸۱ | <b>نیایش:</b> لطف تو       |
| ۲۸۲ | سؤال‌های امتحانی درس نیايش |
| ۲۸۵ | پاسخ‌نامه تشریحی           |

## آزمون‌های نوبت اول و دوم

|     |                                                        |
|-----|--------------------------------------------------------|
| ۳۲۶ | آزمون‌های نیم‌سال اول (آزمون شماره ۱)                  |
| ۳۲۹ | آزمون‌های نیم‌سال اول (آزمون شماره ۲)                  |
| ۳۳۲ | آزمون‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۳ شبه‌نهایی)        |
| ۳۳۶ | آزمون‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۴ شبه‌نهایی)        |
| ۳۴۰ | آزمون‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۵ نهایی خرداد ۱۴۰۴) |
| ۳۴۴ | پاسخ‌آزمون‌ها                                          |

|   |                                |
|---|--------------------------------|
| ۸ | <b>ستایش:</b> ملکا ذکر تو گویم |
| ۹ | سؤال‌های امتحانی درس ستایش     |

## فصل یکم: ادبیات تعلیمی

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۱۴ | <b>درس ۱:</b> شکر نعمت    |
| ۲۰ | کارگاه متن‌پژوهی          |
| ۲۱ | گنج حکمت: گمان            |
| ۲۱ | سؤال‌های امتحانی درس اول  |
| ۳۱ | <b>درس ۲:</b> مست و هشیار |
| ۳۲ | کارگاه متن‌پژوهی          |
| ۳۵ | شعرخوانی: در مکتب حقایق   |
| ۳۶ | سؤال‌های امتحانی درس دوم  |

## فصل دوم: ادبیات پایداری

|    |                                       |
|----|---------------------------------------|
| ۴۷ | <b>درس ۳:</b> «آزادی» و «دفترِ زمانه» |
| ۴۹ | کارگاه متن‌پژوهی                      |
| ۵۰ | گنج حکمت: خاکریز                      |
| ۵۱ | سؤال‌های امتحانی درس سوم              |
| ۵۸ | فارسی‌واژه‌ها: جهان‌واژه‌های فارسی    |
| ۵۹ | <b>درس ۵:</b> دماوندیه                |
| ۶۳ | کارگاه متن‌پژوهی                      |
| ۶۵ | روان‌خوانی: جاسوسی که الاغ بود!       |
| ۶۷ | سؤال‌های امتحانی درس پنجم             |

## فصل سوم: ادبیات غنایی

|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
| ۷۷ | <b>درس ۶:</b> نی‌نامه                       |
| ۸۱ | کارگاه متن‌پژوهی                            |
| ۸۳ | گنج حکمت: آفتابِ جمال حق                    |
| ۸۴ | سؤال‌های امتحانی درس ششم                    |
| ۹۲ | <b>درس ۷:</b> «در حقیقتِ عشق» و «سودای عشق» |
| ۹۵ | کارگاه متن‌پژوهی                            |
| ۹۸ | شعرخوانی: صبح ستاره‌باران                   |
| ۹۹ | سؤال‌های امتحانی درس هفتم                   |

## فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

|     |                                 |
|-----|---------------------------------|
| ۱۰۸ | <b>درس ۸:</b> از پاریز تا پاریس |
| ۱۱۴ | کارگاه متن‌پژوهی                |
| ۱۱۶ | گنج حکمت: سه مرکب زندگی         |
| ۱۱۶ | سؤال‌های امتحانی درس هشتم       |
| ۱۲۵ | <b>درس ۹:</b> کویر              |
| ۱۳۱ | کارگاه متن‌پژوهی                |
| ۱۳۳ | روان‌خوانی: بوی جوی مولیان      |
| ۱۳۷ | سؤال‌های امتحانی درس نهم        |

## فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

|     |                            |
|-----|----------------------------|
| ۱۴۷ | <b>درس ۱۰:</b> فصل شکوفایی |
| ۱۴۸ | کارگاه متن‌پژوهی           |

# درس نامہ 9 سؤالات امتحان

# ستایش: مَلِکَا ذکر تو گویم

این شعر از دیوان حکیم سنایی غزنوی و در قالب قصیده است.

**مَلِکَا، ذکر<sup>۲</sup> تو گویم که تو پاکتی و خدایی** **نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی**

**لغت** مَلِک: پادشاه، خداوند / ذکر: یاد **معنی** خداوند، تو را یاد می‌کنم زیرا که پاک و پروردگار هستی. فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی (یا جز راهی که تو راهنمای من باشی، راه دیگری نمی‌روم). **مفهوم** یادکردن از پاکی و راهنمابودن خداوند **آرایه** مصراع دوم به آیه ششم از سوره حمد تلمیح دارد: إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما. / جمله توأم راهنمایی، نوعی ایهام دارد و به دو صورت خوانده و معنی می‌شود: ۱) تو راه را به من نمایی **نهاد** مفعول متَّم فعل ۲) تو راهنمای من هستی **نهاد** مسند مضاف‌الیه فعل

**دستور** «الف» در مَلِکَا حرف ندا و ملک منادا است. / منظور از «تو» در همه بیت‌ها خداوند است. / پاک و خدا: مسند (تو پاک هستی و خدا هستی). / بیت شش جمله دارد: ۱) مَلِکَا ۲) ذکر تو گویم ۳) تو پاکی ۴) تو خدایی ۵) نروم جز به همان ره ۶) توأم راهنمایی.

**همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم** **همه توحید تو گویم که به توحید سزایی**

**لغت** همه: ادر اینجا تنها، فقط / فضل: بخشش، کرم / پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن / سزا: سزاوار، شایسته، لایق **معنی** تنها درگاه تو را می‌جویم و فقط به سبب لطف تو در حرکت و تلاشم. فقط از یگانگی تو می‌گویم زیرا که شایسته توحید و یگانگی هستی. **مفهوم** جست‌وجوی خداوند، توحید و ستایش او و حرکت و تلاش به لطف او **آرایه** جویم، پویم و گویم: جناس ناهمسان (ناقص) / مصراع اول به آیه پنجم از سوره حمد تلمیح دارد: إِيَّاكَ نَعْبُدُ و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. / تکرار صامت «ت»: واج‌آرایی / همه، تو، توحید: تکرار **دستور** همه: در این بیت در نقش قید است. / جویم (می‌جویم)، پویم (می‌پویم) و گویم (می‌گویم) همگی فعل مضارع اخباری هستند. / نقش کلمات در جمله پایانی به این شکل است: [تو] به توحید سزایی (= هستی) **نهاد** حرف متَّم مسند فعل اضافه

**تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی** **تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی**

**لغت** حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ به این معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد. / کریم: بسیار بخشنده، بخشنده، از نام‌ها و صفات خداوند / رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده / ثنا: ستایش، سپاس **معنی** تو حکیم، بزرگ، بخشنده و مهربان هستی. تو آشکارکننده فضل و بخشش هستی و شایسته ستایشی. **مفهوم** اشاره به صفات خداوند: دانایی، بزرگی، مهربانی و شایسته ستایش بودن **آرایه** تو: تکرار / تکرار صامت‌های «ت» و «م» و هم‌چنین مصوت‌های «ه» و «ی»: واج‌آرایی **دستور** حکیم، عظیم و کریم و رحیم و نماینده و سزاوار در نقش مسند هستند. / ثنا (ستایش) و سنا (روشنی): هم‌آوا

**نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی** **نتوان شبیه تو گفتن که تو در وهم نیایی**

**لغت** شبیه: مانند، مثل، همسان / وهم: پندار، تصوّر، خیال **معنی** نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم بشر جای نمی‌گیری. نمی‌توان مثل و ماندنی برای نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی. **مفهوم** ناتوانی انسان در توصیف خداوند / شبیه و نظیر نداشتن خداوند **آرایه** فهم و وهم: جناس ناهمسان (ناقص) / نتوان، تو، گفتن: تکرار / مصراع دوم تلمیح دارد به: لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ: هیچ چیزی مانند او نیست. (بخشی از آیه ۱۱ سوره شورا) / بیت موازنه دارد. (ویژه علوم انسانی)

**همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی** **همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی**

**لغت** همه: ادر اینجا سراسر، تماماً / عزّ: ارجمندی، گرمی‌شدن، مقابل قُلّ / جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبرایی او اشاره دارد. / یقین: بی‌شک و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد. / سرور: شادی، خوشحالی / جود: بخشش، سخاوت، کرم / جزا: پاداش کار نیک **معنی** [خداوند] تمام وجودت ارجمندی، شکوه، علم، یقین، نور، شادمانی، بخشش و پاداش است. **مفهوم** اشاره به صفات خداوند: ارجمندی، شکوه و ... **آرایه** همه: تکرار / تکرار مصوّت «ی»: واج‌آرایی / «همه نوری» به بخشی از آیه ۳۵ سوره نور تلمیح دارد: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. **دستور** «همه» در این بیت قید است و عزّ، جلال، علم، یقین، نور، سرور، جود و جزا، مسند هستند. / این بیت از هشت جمله تشکیل شده و نهاد همه جملات «تو» است که به قرینه لفظی حذف شده است. / هر چهار «و» پیوند همپایه‌ساز است.

۱- این شعر در اصل دارای سیزده بیت است و در دیوان سنایی جزء قصاید اوست.

۲- واژه‌های رنگی کلماتی هستند که معنای آن‌ها در واژه‌نامه پایان کتاب درسی آمده است. (اصطلاحاً این واژه‌ها، واژه‌نامه‌ای هستند).

۳- واژه‌هایی که به این شکل مشخص (هابلیت) شده‌اند، از نظر املائی مهم هستند.

## اگه فراموش کردی ...

«همه» در صورتی صفت مبهم است که موصوف داشته باشد. مثلاً همه روز، همه میوه‌ها در غیر این صورت ممکن است ضمیر مبهم باشد و نقش‌های اسم را بگیرد. مانند: همه می‌دانند نهاد  
یا اینکه معنای فقط و تماماً بدهد که در این حالت مانند شعر بالا قید است. همه علمی یعنی فقط و تماماً علم هستی.

**همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی**

**لغت** همه: [در اینجا] هر **معنی** هر چیز پنهانی را تو می‌دانی و هر عیبی را می‌پوشانی. همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست. **مفهوم** غیب‌دانی (عالم‌الغیب)، عیب‌پوشی (ستار‌العیوب) و عزت و ذلت بندگان، دست خداست. **ارابه** غیب و عیب: جناس ناهمسان (ناقص) / بیش و کم: بکاهی و فزایی: تضاد / مصراع دوم: تلمیح به تَعَزُّ مَن تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَن تَشَاءُ: هر کس را بخواهی عزت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌کنی (بخشی از آیه ۲۶ سورة آل عمران) / تکرار مصوت «ی»: واج آرای / همه و تو: تکرار **دستور** همه: صفت مبهم / غیب، عیب، بیش و کم: مفعول

**لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی**

**لغت** همه: [در اینجا] تنها، فقط / مگر: [در اینجا] امید است، شاید / بُود: باشد / **روی**: مجازاً امکان، چاره **معنی** تمام وجود سنایی فقط از یگانگی تو سخن می‌گوید تا شاید برای او امکان رهایی از آتش جهنم وجود داشته باشد. **مفهوم** اقرار به یگانگی خداوند و امیدواری به لطف او / هراس از عقوبت الهی **ارابه** لب و دندان: مجاز از کل وجود / لب و دندان، آتش و دوزخ: مراعات نظیر / روی به معنی چاره است، اما در معنی صورت با لب و دندان ایهام تناسب پدید آورده است. **دستور** «همه» در این بیت به معنای تنها و فقط و در نقش قید است. / گوید: مضارع اخباری (می‌گوید) / ضمیر «ش» در بُودش، متمم است (برای او باشد). شکل مرتب‌شده مصراع دوم به این صورت است: مگر برای او از آتش دوزخ روی رهایی بُود (وجود داشته باشد).  
قید متمم متعم مضاف‌الیه نهاد مضاف‌الیه فعل غیراسنادی

## سؤال‌های امتحانی درس ستایش (پاسخ در صفحه ۲۸۶)

### معنی واژه

■ معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

۱- همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم

۲- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

۳- تو نماینده فضلی، تو سزاوار ثنایی

۴- همه نوری و سروری همه جودی و جزایی

■ کدام واژه جزء معانی کلمه مشخص‌شده در مصراع‌های زیر نیست؟

۵- مَلِکَا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی (خداوند - پادشاه - سرور)

۶- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (یکسان - مانند - مثل)

۷- در بیت «همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی» یک برابر معنایی مناسب برای واژه «شادی» بیابید. (فردراده ۱۱۴)

۸- کدام یک از واژه‌های بیت زیر مترادف واژه «جلال» است؟

دیری ست دیده غیر حقارت ندیده است بی‌هوده از شکوه تماشا، سخن مگو

۹- در کدام مصراع کلمه‌ای در معنای «بخشش» به کار نرفته است؟

الف) همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

ب) همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

ج) تو نماینده فضلی، تو سزاوار ثنایی

۱۰- در بیت «تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی» واژه مشخص‌شده به کدام معناست؟

الف) بسیار مهربان ب) بسیار بخشنده ج) بسیار دانا

۱۱- از میان واژه‌های زیر، معنای دو واژه نادرست است. درست هر یک را بنویسید.

«پویدن: تلاش / حکیم: سخن‌دان / عزّ: ارجمندی / وهم: خیال / یقین: واضح / نماینده: نشان‌دهنده»

۱۲- عبارت «حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی» در توضیح کدام واژه آمده است؟ (دی ۱۴۰۱)

الف) اتراق ب) پویدن ج) مشایعت د) وصول

۱۳- برابر معنایی مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) از نام‌های خداوند، به این معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد. (کریم - حکیم)

ب) از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد. (جلال - جود)

۱۴- در مصراع «مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی» واژه روی به چه معنایی به کار رفته است؟

- الف) جهت      ب) راه      ج) چاره      د) رخسار

۱۵- کدام کلمه در بیت زیر مقابل واژه «عزّ» است؟

«آنچه با رنج یافتی و به دلّ تو به آسانی از گزافه مدیش»

(رودکی)

املا

۱۶- املاي درست کلمات را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) تو نماینده فضلی تو سزاوار (سنایی - ثنایی)

ب) نتوان (شبه - شبیح) تو گفتن که تو در وهم نیایی.

۱۷- در مصراع‌های زیر، املاي یک واژه نادرست است. درست آن را بنویسید.

الف) همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی

ب) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی

ج) همه بیشی تو بکاهی، همه کمتی تو فضایی

د) همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

۱۸- در کدام یک از ابیات زیر غلط املايي وجود دارد؟ درست آن را بنویسید.

الف) تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی

تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

ب) لب و دندان ثنایی همه توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

دستور

۱۹- در کدام بیت واژه دارای «هم‌آوا» دیده می‌شود؟

الف) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

ب) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی

تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

■ در هر یک از بیت‌های زیر چند فعل دیده می‌شود؟

۲۰- همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی

همه بیشی تو بکاهی همه کمتی تو فزایی

۲۱- همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی

همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

۲۲- در کدام بیت، فعل اسنادی دیده می‌شود؟

الف) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

ب) همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

۲۳- زمان و نوع فعل‌های مصراع نخست بیت زیر را بنویسید.

«همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی»

۲۴- برای هر مصراع، نقش دستوری ضمیر «تو» را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید (مضاف‌الیه)

ب) همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بپوشی (نهاد - مضاف‌الیه)

۲۵- در کدام بیت ضمائر شخصی «تو» همگی در نقش دستوری «مضاف‌الیه» به کار رفته‌اند؟

الف) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

ب) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

۲۶- نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش» در مصراع دوم بیت زیر چیست؟

«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»

۲۷- در مصراع نخست بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی» نقش دستوری ضمائر «تو» را بنویسید.

۲۸- نوع «واو» را در مصراع‌های زیر تعیین کنید.

الف) همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی

ب) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

۲۹- کدام مصراع به شیوه بلاغی است؟ آن را به شیوه عادی برگردانید.

الف) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی

ب) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

۳۰- نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف) تو نماینده فضلی، تو سزاوار ثنایی

ب) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

(فرداد ۱۴۰۳)

۳۱- با توجه به بیت «در آن سیماب‌گون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می‌دید» کدام واژه بیت زیر، نقش دستوری یکسانی با واژه مشخص‌شده دارد؟

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی  
۳۲- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی»  
الف) در مصراع اول «ملک» و «ذکر» به ترتیب در نقش‌های ..... و ..... به کار رفته است.  
ب) در مصراع دوم، جمله «توام راه‌نمایی» جمله ..... است. (پایه - پیرو)  
ج) در این بیت حذف فعل، به قرینه لفظی است یا معنایی؟  
د) این بیت از چند جمله تشکیل شده است؟ آن‌ها را مشخص کنید.  
ه) یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در بیت بالا بیابید.  
۳۳- با توجه به بیت زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌ها را تعیین کنید.



لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی  
الف) در مصراع دوم دو ترکیب اضافی وجود دارد.  
ب) واژه «همه» صفت مبهم است.  
ج) واژه «دندان» معطوف به نهاد است.

۳۴- در بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی»:

الف) واژه «همه» قید است یا صفت مبهم؟  
ب) چند مفعول در بیت دیده می‌شود؟  
ج) شیوه بیان بیت، بلاغی است یا عادی؟

۳۵- در جمله پایانی کدام بیت، نقش دستوری «مسند» دیده نمی‌شود؟

الف) همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی  
ب) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی  
ج) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی

#### تاریخ ادبیات

۳۶- شعر «ملکا ذکر تو گویم» سروده کیست؟

#### آرایه‌های ادبی

۳۷- در بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی»:

الف) کدام فعل‌ها آرایه «تضاد» را پدید آورده‌اند؟  
ب) آرایه «جناس» در کدام کلمات دیده می‌شود؟

(فارج از کشور فرداد ۱۴۰۰)

۳۸- در مصراع نخست بیت زیر کاربرد آرایه‌های ..... و ..... مشهود است.

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی  
آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

۳۹- «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» (تضاد - جناس)

۴۰- «همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بپوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» (تلمیح - تضمین)

۴۱- با توجه به موارد داده‌شده پاسخ درست را انتخاب کنید.

الف) در بیت «همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی» آرایه «اغراق» دیده می‌شود یا «جناس»؟

(شهریور ۱۴۰۰)

ب) آرایه بارز «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» تضمین است یا تلمیح؟

۴۲- در مصراع اول بیت زیر، آرایه مجاز را توضیح دهید.

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

۴۳- در کدام یک از واژه‌های بیت زیر آرایه «ایهام تناسب» دیده می‌شود؟

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

■ معنی هر يك از مصراع‌ها و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

- ۴۴- همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم  
 ۴۵- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی  
 ۴۶- همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی  
 ۴۷- ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی  
 ۴۸- تو حکیمی، تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی  
 ۴۹- لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید  
 ۵۰- همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی
- تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی  
 مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی  
 همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

### درک مطلب و مفهوم

۵۱- هر يك از مصراع‌های زیر به کدام ویژگی «خداوند» اشاره دارند؟

(الف) نروم جز به همان ره که توام راهنمایی (هدایتگری - توکل)

(ب) تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی (شایسته‌گزینی - بخشندگی)

(ج) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی (دانای اسرار - غیب‌گویی)

۵۲- در بیت زیر شاعر در توحید‌گویی خود، به چه امری از سوی خدا امیدوار است؟

«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»

۵۳- مفهوم مشترک مصراع «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی» در بیت زیر چیست؟

«گر کسی وصف او ز من پرسد بیدل از بی‌نشان چه گوید باز؟»

۵۴- مفهوم مصراع «همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

(الف) بلند آن سر که او خواهد بلندش نژند آن دل که او خواهد نژندش

(ب) روح را خاک نتواند مبدل به غبارش سازد/ زیرا هر دم به تلاش است تا فرارود.

۵۵- مفهوم جمله مشخص‌شده در بیت زیر را بنویسید.

«همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم همه توحید تو گویم که به توحید سزایی»

۵۶- جمله «با خرد و دانش خود آن‌چه خواهد، تواند، سنجش نیروی او در توان ما نیست.» با کدام گزینه زیر تناسب معنایی دارد؟

(الف) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی

(ب) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

۵۷- مفهوم کلی بیت زیر به کدام صفت خدا اشاره می‌کند؟

«همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی»

۵۸- بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی/ نروم جز به همان ره که توام راهنمایی» را به دو صورت بازگردانی کنید.

## فصل یکم

# ادبیات تعلیمی

بنده ہمن بہ کہ ز تقصیر خویش      عذر بہ درگاہ خدای آورد  
ورنہ سزاوار خدافندی اش      کس تواند کہ بہ جہای آورد

«سعدی»

# درس ۱: شکرِ نعمت

کتاب گلستان اثر سعدی است.

## ماجرای این درس ...

در گذشته همهٔ شاعران و نویسندگان در آغاز کار، بخشی رو به سپاس‌گزاری از خداوند و یادکردن از نعمت‌های او اختصاص می‌دادند. این بخش تمهیدی نام دارد. کتاب گلستان که از پرسته‌ترین آثار ادبیات فارسی مسسوب می‌شود، تمهیدی‌ای عالی و بی‌نظیر دارد که در این درس با آن آشنا می‌شویم.

**مَنْتِ خدای را، عَزَّوَجَلَّ، که طاعتش موجبِ قربت است و به شکر اندرش مزیدِ نعمت.**

**لغت** **مَنْتِ**: سپاس، شکر، نیکویی / **عَزَّوَجَلَّ**: بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود / **قربت**: نزدیکی / **مزید**: افزونی، زیادی  
**معنی** سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است، [خدایی] که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری او باعث افزایش نعمت می‌گردد.  
**مفهوم** طاعت و بندگی سبب نزدیکی به خداست. / شکر نعمت، نعمت افزون کند. **آرایه** **قربت و نعمت**: سجع / تلمیح به آیهٔ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ: اگر شکر کنید [نعمت] را برای شما افزون خواهیم کرد. (بخشی از آیهٔ ۷ سورة ابراهیم) **دستور** «را» حرف اضافه به معنی «برای» و خدا متمم است. (مَنْتِ برای خداست.) / **به شکر اندر**: آمدن دو حرف اضافه برای یک متمم / ضمیر «ش» در به شکر اندرش: مضاف‌الیه شکر (در شکر کردنِ او) / فعل «است» بعد از «خدای را» و «نعمت» به قرینهٔ لفظی حذف شده است (مَنْتِ خدای را [است] / مزیدِ نعمت [است]). / **قربت (نزدیکی) و (غربت) دوری**: هم‌آوا / مزید در نقش نهاد است و جملهٔ آخر غیراسنادی است: اندر شکر او، مزیدِ نعمت [است] = وجود دارد.

**هر نَفْسِ که فرومی‌رود، مُمِدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّجِ ذات.**

**لغت** **مُمدِّ**: مددکننده، یاری‌رساننده / **مُفرِّج**: شادی‌بخش، فرح‌انگیز / **ذات**: وجود، هستی **معنی** هر نَفْسِ که فرو برده می‌شود، یاریگر زندگی است و هنگامی که بیرون می‌آید شادی‌بخش وجود است. **آرایه** **فرومی‌رود و برمی‌آید**: تضاد / **حیات و ذات**: سجع **دستور** فعل «است» بعد از ذات به قرینهٔ لفظی حذف شده است (مُفرِّج ذات [است]). / **حیات (زندگی) و حیات (زمین جلوی ساختمان)**: هم‌آوا

**پس در هر نَفْسِ دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.**

**معنی** پس در هر نفس دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی باید شکری به جای آورد. **مفهوم** نعمت بی‌پایان خداوند و ضرورت سپاس‌گزاری از او  
**آرایه** **موجود و واجب**: سجع **دستور** فعل «است» بعد از واجب به قرینهٔ لفظی حذف شده است (شکری واجب [است]).

**از دست و زبان که برآید کز عهدهٔ شکرش به در آید؟**

**لغت** **عهده**: وظیفه **معنی** از توانایی و گفتار چه کسی ساخته است که وظیفهٔ شکرگزاری از [نعمت‌های] او را به جای آورد؟ **مفهوم** ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند **آرایه** **دست**: مجاز از توانایی یا قدرت / **زبان**: مجاز از گفتار / **مصرع اول** استفهام انکاری دارد (از دست و زبان کسی بر نمی‌آید). / **دست و زبان**: مراعات نظیر **دستور** «که» در مصرع اول، ضمیر پرسشی است و نقش مضاف‌الیه دارد، اما در مصرع دوم پیوند وابسته‌ساز است. / **ضمیر «ش»** در شکرش: مضاف‌الیه (شکرِ او)

**﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورِ﴾**

**معنی** ای خاندان داوود، سپاس‌گزارید و عدهٔ کمی از بندگان من سپاس‌گزارند. **مفهوم** توصیه به سپاس‌گزاری از خداوند، ناسپاسی بندگان  
**آرایه** **تضمین قسمتی** از آیهٔ ۱۳ سورة سبأ

**بنده همان به که ز تقصیرِ خویش عذر به درگاهِ خدای آورد**

**لغت** **به**: بهتر / **تقصیر**: گناه، کوتاهی، کوتاهی‌کردن / **عذر**: توبه، عذرخواهی **معنی** بهتر است که بنده به خاطر گناه خود از خداوند، طلب بخشش کند. **مفهوم** توصیه به توبه از گناهان **آرایه** **بنده، تقصیر، عذر و خدای**: مراعات نظیر **دستور** فعل «است» بعد از به به قرینهٔ معنایی حذف شده است (همان به [است]). / **به مسند است**. / **خویش (خود) و خویش (گاو آهن)**: هم‌آوا

**وَرَنه ســزوارِ خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد**

**لغت** **وَرَنه**: وگرنه، زیرا / **به جای آوردن**: انجام‌دادن **معنی** وگرنه کسی نمی‌تواند آن‌گونه که شایستهٔ خداوندی اوست، شکرگزاری کند. **مفهوم** ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

## دانش‌های ادبی

به شعری که فقط مصرع‌های زوج آن قافیه داشته باشند، قطعه می‌گویند. این دو بیت در قالب قطعه است:

بنده همان به که ز تقصیرِ خویش عذر به درگاهِ خدای آورد  
وَرَنه ســزوارِ خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد

آورد ردیف و خدای و جای قافیه هستند.

۱- وابسته‌های مانند مضاف‌الیه مضاف‌الیه، قید صفت، صفت صفت و ممیز مربوط به درس‌های هشتم و نهم کتاب است. ما برای تمرین بیشتر، از همین ابتدا آن‌ها را نیز برای شما مشتخص کرده‌ایم. می‌توانید نگاهی به استگاه دستور دو درس گفته‌شده بیندازید.

## همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

**لغت** از بهر: برای، به خاطر / سرگشته: حیران، متحیر، آواره، آشفته / فرمانبردار: مطیع **معنی** تمام آفرینش مطیع و فرمانبردار تو هستند، منصفانه نیست که تو فرمانبردار خداوند نباشی. **مفهوم** یاد کردن از خداوند و فرمان بردن از او **آرایه** تکرار صامت «ر» واج آرای **دستور** مرجع ضمیر «تو» انسان است. فعل «هستند» بعد از فرمانبردار به قرینه معنایی حذف شده است (فرمانبردار هستند). / بهر (برای) و بحر (دریا): هم آوا

**در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تنمۀ دور زمان، محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم، لغت** خبر: سخنی که از پیامبر باشد، حدیث / کاینات: جمع کاینه، همه موجودات جهان / مفخر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ مایه افتخار / صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر / تنمۀ باقی مانده: تنمۀ دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت **معنی** در حدیث آمده است از پیامبر اسلام ﷺ که سرور موجودات و مایه افتخار آفریدگار و رحمت خداوند بر جهانیان است و برگزیده انسان‌ها و مایه کمال گردش روزگار (آخرین پیامبر خداوند) است که درود خداوند بر او و خاندانش باد، **مفهوم** یاد کردن از بزرگی پیامبر ﷺ / تنمۀ دور زمان به آخرین پیامبر بودن حضرت محمد ﷺ اشاره دارد.

**نکته:** حدیث پیامبر ﷺ پس از بیت‌های بعدی آمده است (در خبر است هر گاه ...).

## شفیع طاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم و سیم

**لغت** شفیع: شفاعت کننده، پایمرد / طاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد. / نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول / قسیم: صاحب جمال / جسیم: خوش اندام / نسیم: خوشبو / وسیم: دارای نشان پیامبری **معنی** او شفاعت کننده، فرمانروا، پیام آور، بخشنده، زیبا، خوش اندام، خوشبو و دارای نشان پیامبری است. **مفهوم** بیان صفات پیامبر ﷺ **آرایه** تکرار مصوت «س» و هم‌چنین صامت «س» در مصراع دوم: واج آرای / قسیم، جسیم، نسیم و وسیم: جناس ناهمسان (ناقص)

## بلغ الغلی بکماله، کشف الدجی بجماله حسنّت جمیع خصاله، صلوا علیه و آله

**معنی** به واسطه کمال خود به مرتبه بلند رسید و با جمال نورانی خود، تاریکی‌ها را برطرف کرد، همه خوی‌ها و صفات او زیباست، بر او و خاندانش درود بفرستید. **مفهوم** عظمت پیامبر ﷺ

## چه غم دیوار ائت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

**لغت** پشتیبان: چوبی که به جهت استحکام بر دیوار نصب کنند. / باک: ترس / بحر: دریا **معنی** ای پیامبر، وقتی مسلمانان پشتیبانی چون تو دارند، غمی از آسیبی ندارند، همان‌طور که کسی که ناخدا و کشتیبان او نوح باشد، از موج و طوفان دریا ترسی ندارد. **مفهوم** تکیه بر حمایت پیامبر ﷺ **آرایه** چه غم؟ و چه باک؟ استفهام انکاری (غمی ندارد، باکی ندارد) / دیوار ائت: تشبیه (امت: مشبه، دیوار: مشبّه‌به) / چو دارد چون تو پشتیبان: تشبیه (تو: مشبه، پشتیبان: مشبّه‌به) **نگاه به آینده** بیت اسلوب معادله دارد. / مصراع دوم به داستان حضرت نوح ﷺ تلمیح دارد. / دیوار و پشتیبان و موج، بحر، نوح و کشتیبان: مراعات نظیر **دستور** ضمیر تو متمم است و به پیامبر ﷺ برمی‌گردد.

**هر گه که یکی از بندگان گناهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جلّ و علا بر دارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.**

**لغت** انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی / اجابت: پذیرفتن / تعالی: بلندمرتبه / جلّ و علا: بزرگ و والامقام **معنی** هر زمان که یکی از بندگان گناهکار و بیچاره، دست خود را به نشانه توبه و با امید پذیرش توبه‌اش به سمت خداوند بزرگ و والامقام بر دارد، خداوند بلندمرتبه به او توجهی نمی‌کند. **مفهوم** توبه بنده و عدم توجه خداوند به او **آرایه** پریشان‌روزگار: کنایه از بدبخت / انابت و اجابت: جناس ناهمسان (ناقص) / نظر نکردن: کنایه از توجه نکردن **دستور** دست انابت: اضافه اقترانی

## کالبدشکافی

به ترکیب‌های مشخص شده زیر دقت کنید:

**دست طمع**، آدمی را خفه خواهد کرد. **طمع** مانند **موجودی زنده** دست دارد.

مشبه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه (یکی از اجزای مشبّه‌به)

**گردن ظلم** را باید شکست: **ظلم** مانند **موجودی زنده** گردن دارد.

مشبه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه (یکی از اجزای مشبّه‌به)

به این ترکیب‌ها که از یکی از اجزای مشبّه‌به (وجه شبه) + مشبه ساخته می‌شوند، **اضافه استعاری** می‌گوییم، مانند: چنگال ستم، بال خیال، قهقهه فشنگ، سقف شب (شب به ساختمانی تشبیه شده که سقف جزئی از آن است)، قلّه آرزو (آرزو به کوهی تشبیه شده که قلّه جزئی از آن است). اکنون به ترکیب‌های مشخص شده زیر دقت کنید:

❶ شاگرد در برابر استادش **دست ادب** به سینه نهاد: دست را به نشانه ادب به سینه نهاد.

❷ **گردن غرور** برافراشت و به راه افتاد، گردن را به نشانه غرور برافراشت.

❸ **دست دعا** به سوی خداوند بلند کرد: دست را به نشانه دعا بلند کرد.

❹ قاضی **قلم بخشش** بر جرم‌هایش کشید: قلم را به نشانه بخشش کشید.

به این ترکیب‌ها که می‌توان بین آن‌ها از به نشانه برای استفاده کرد، **اضافه اقترانی** می‌گوییم و باید توجه داشت که این نوع ترکیب، آرایه ادبی به شمار نمی‌رود.

بازش بخواند: باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تَضَرُّع و زاری بخواند.

**لغت** بخواند: صدا کند / اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی / تَضَرُّع: زاری کردن، التماس کردن **معنی** دوباره آن بنده، خداوند را صدا می کند، باز هم خداوند روی برمی گرداند. بار دیگر با التماس و زاری خداوند را صدا می زند. **مفهوم** اصرار و پافشاری بنده در توبه به درگاه الهی **دستور** ضمیر «ش» در بازش و بار دیگرش مفعول است و مرجع آن خداوند است. (باز او را بخواند، بار دیگر او را بخواند).

**حق، سُبْحَانَهُ و تَعَالَى** فرماید: یا مَلَأَکَتِی قَدْ اسْتَخِیْتُ مِنْ عِبْدِی و لَیْسَ لَهُ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ.

**معنی** خداوند پاک و بلندمرتبه می فرماید: ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس او را آمرزیدم. **مفهوم** نهایت بزرگی خداوند و بخشش او / خداوند، تنها پناه بندگان است.

**دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.**

**لغت** دعوت: درخواست / اجابت کردم: پاسخ دادم، برآوردم **معنی** درخواست بنده را پاسخ دادم و او را به آرزویش رساندم، زیرا از اینکه بنده من بسیار دعا و زاری کند، شرم می کنم. **مفهوم** عفو و پذیرفتن دعای بندگان **آرایه** کردم و برآوردم: سجع **دستور** ترکیب های اضافی: ۱ دعوتش (دعوت او) ۲ امیدش (امید او) ۳ بسیاری دعا ۴ بسیاری زاری ۵ دعای بنده ۶ زاری بنده

**گَرَمِ بَیْنِ و لَطْفِ خَدَاوَنَدگَارِ گَنَهِ بَنَدِه کَرْدِه سَت و او شَرْمسار**

**لغت** گَرَم: بزرگواری **معنی** بزرگواری و لطف خداوند را بین که بنده گناه کرده است و او شرمنده است. **مفهوم** بزرگواری و لطف پروردگار **آرایه** تلمیح به حدیث یا مَلَأَکَتِی قَدْ اسْتَخِیْتُ مِنْ عِبْدِی و لَیْسَ لَهُ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ: ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس او را آمرزیدم. **دستور** فعل «است» بعد از شرمسار به قرینه لفظی حذف شده است. گنه بنده کرده است و او شرمسار است [

**عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عِبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ و اوصافان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عَرَفْنَاکَ حَقَّ مَعْرِفَتِکَ.**

**لغت** عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند. / جلال: بزرگی / معترف: اقرار کننده، اعتراف کننده / و اصفان: جمع و اصف، وصف کنندگان، ستاینندگان / جلیه: زیور، زینت / جمال: زیبایی / تحیر: سرگشتگی، سرگردانی / منسوب: نسبت داده شده **معنی** گوشه نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می کنند و می گویند: آن چنان که شایسته توست تو را عبادت نکردیم و توصیف کنندگان زیور زیبایی خداوند در حیرت اند و می گویند: آن چنان که سزاوار توست تو را نشناختیم. **مفهوم** ناتوانی در پرستش و شناخت خداوند **آرایه** کعبه جلال و جلیه جمال: تشبیه (جلال و جمال: مشبه / کعبه و جلیه: مشبه به) / جلال و جمال: جناس ناهمسان (ناقص) / ما عِبَدْنَاکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ و ما عَرَفْنَاکَ حَقَّ مَعْرِفَتِکَ: تضمین حدیث پیامبر ﷺ / عاکف، کعبه، عبادت: مراعات نظیر **دستور** فعل «هستند» بعد از معترف و منسوب به قرینه معنایی حذف شده است. / منسوب (نسبت داده شده) و منصوب (به شغل و مقامی گماشته شده): هم آوا

**گر کسی وصف او ز من پرسد بیدل از بی نشان چه گوید باز؟**

**لغت** گوید باز: باز گو کند **معنی** اگر کسی از من بخواهد که خداوند را برایش توصیف کنم، من که عاشق او هستم چگونه از او که بی نشان است چیزی بگویم؟ **مفهوم** ناتوانی در وصف خداوند **آرایه** بی دل: کنایه از عاشق / بی نشان: کنایه از خداوند / چه گوید باز؟ استفهام انکاری (نمی تواند چیزی بگوید). **دستور** منظور از او خداوند است. / نقش چه مفعول است: چه (چه چیز را) بگوید؟

**عاشقان گشتگان معشوق اند بر نیاید ز گشتگان آواز**

**لغت** آواز: (در اینجا) صدا دو بیت بالا شعری در قالب قطعه است و باز و آواز واژگان قافیه هستند. **معنی** عاشقان، خود را فدای معشوق کرده اند؛ از آن کس که کشته شده سخنی شنیده نمی شود. **مفهوم** نیست شدن و خاموشی در عشق / سکوت عارفانه **آرایه** تکرار صامت «ش»: واج آرای / علت سکوت عاشقان، زنده نبودن ایشان است: حسن تعلیل / گشتگان: تکرار **دستور** گشتگان در مصراع اول مسند و در مصراع دوم متمم است.

**یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛**

**لغت** صاحب دل: عارف / جیب: گریبان، یقه / مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست. نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق / بحر: دریا / مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی پی بردن به حقایق است. / مستغرق: غرق **معنی** یکی از عارفان به حالت تفکر و تأمل فرو رفته بود و در دریای کشف حقایق غرق شده بود. **مفهوم** پاک کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی **آرایه** صاحب دل: کنایه از عارف / سر به جیب فرو بردن: کنایه از گوشه گیری / بحر مکاشفت: تشبیه (مکاشفت: مشبه / بحر: مشبه به) / مستغرق شدن در چیزی: کنایه از تمام وجود را متوجه چیزی کردن / برده و شده: سجع **دستور** جیب مراقبت: اضافه اقترانی (سر را به جیب به منظور مراقبت فرو برده بود). / فعل بود بعد از شده به قرینه لفظی حذف شده است (مستغرق شده [بود]).

**آن گه که از این معاملت باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟**

**لغت** معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در اینجا مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است. / انبساط: حالتی که در آن احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن / تحفه: هدیه، ارمان / کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن **معنی** وقتی که از آن حالت مراقبه و مکاشفه بیرون آمد، یکی از دوستان از روی صمیمیت از او پرسید: از آن عالم غیب چه هدیه ای برای ما آورده ای؟ **آرایه** بوستان: استعاره از عالم معنویت / بودی و کردی: سجع **دستور** را: حرف اضافه به معنی برای (برای ما)

**گفت:** به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را.

**معنی:** گفت: در نظرم بود وقتی به منشأ معرفت الهی می‌رسم، مقداری از آن معارف و حقایق را به عنوان هدیه برای دوستان بیاورم. **مفهوم:** به یاد دوستان بودن **آرایه:** درخت گل: استعاره از معرفت الهی **دستور:** را: حرف اضافه به معنی برای (برای هدیهٔ اصحاب)

**چون برسیدم، بوی گُل چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!**

**معنی:** وقتی به درگاه الهی رسیدم، جلوه‌ای از جمال حق، چنان سرمستم کرد که اختیار خود را از دست دادم. **مفهوم:** حیرت و بی‌اختیار شدن در برابر خداوند (معشوق) **آرایه:** بوی گل: استعاره از جلوهٔ خداوند / از دست رفتن دامن: کنایه از بی‌اختیار شدن / مست و دست: جناس ناهمسان (ناقص) **دستور:** ضمیر «م» در کلم مفعول است. (بوی گل چنان مستم کرد = من را مست کرد.) / مست: مسند / ضمیر «م» در دامنم مضاف‌الیه دست است. (دامن از دستم برفت.)

**ای مرغِ سحر! عشق ز پروانه بیاموز** **کان سوخته را جان شد و آواز نیامد**

**لغت:** مرغ سحر: بلبل، هزارستان **معنی:** ای بلبل، عشق را از پروانه بیاموز، زیرا او عاشقی است که جانش را فدای معشوق خود (شمع) کرد و سخی از او شنیده نشد. **مفهوم:** عاشق واقعی، رازدار و فداکار و بی‌ادعاست. / سکوت عارفانه **آرایه:** مرغ سحر: نماد مدعیان دروغین راه عشق / پروانه: نماد عاشقان راستین / آمدن حرف ندای ای و فعل بیاموز برای مرغ سحر: تشخیص / سوخته: کنایه از پروانه **دستور:** این بیت از چهار جمله تشکیل شده است: ۱) ای مرغ سحر ۲) ... بیاموز ۳) ... شد ۴) ... نیامد / را: فک اضافه (آن سوخته را جان = جانِ آن سوخته) / شد: در معنای رفت و غیراسنادی **نگاهی به آینده:** جان آن سوخته، شد. (= از دست رفت)  
نهاد صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه فعل غیراسنادی (وابسته و وابسته)

**این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند** **کان را که خبر شد، خبری بازنیامد**

**لغت:** مدعی: ادعاکنده، خواهان **معنی:** این افرادی که مدعی رسیدن به عشق الهی هستند، در واقع از خداوند بی‌خبرند، زیرا کسی که به شناخت خداوند برسد، در او محو می‌شود و خبری از او به دیگران نمی‌رسد. **مفهوم:** عاشق واقعی، رازدار و بی‌ادعاست. / سکوت عارفان / را: حرف اضافه به معنی از (کان را که خبر شد، خبری بازنیامد = از آن کسی که باخبر شد، خبری بازنیامد.)

## ایستگاه آرایه

- تشبیه:** تشبیه یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین آرایه‌های ادبی است. چهار پایه (رکن)، آرایهٔ تشبیه را پدید می‌آورند. این چهار پایه، مشبّه، مشبّه‌به، وجه‌شبه و ادات تشبیه هستند. در جملهٔ دل من همچون آسمان ابری، تیره و تار است.:
- ۱) دل من مشبّه است. مشبّه چیزی است که آن را به چیزی دیگر مانند می‌کنیم.
  - ۲) آسمان ابری مشبّه‌به است. مشبّه‌به چیزی است که مشبّه را به آن مانند کرده‌ایم.
  - ۳) تیره و تار بودن وجه‌شبه است. وجه‌شبه ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است.
  - ۴) همچون ادات تشبیه است. ادات تشبیه کلمه‌ای است که شباهت را با آن بیان می‌کنیم.

**نکته:** حضور مشبّه و مشبّه‌به برای پدیدآمدن آرایهٔ تشبیه الزامی است، اما وجه‌شبه و ادات تشبیه، هر یک به تنهایی یا هر دو با هم ممکن است حذف شوند.

**مثال:** دل من همچون آسمان ابری است (وجه‌شبه حذف شده است).

دل من در تیرگی و تاری، آسمانی ابری است (ادات تشبیه حذف شده است).

دل من آسمان ابری است (وجه‌شبه و ادات تشبیه، هر دو حذف شده‌اند).

**نکته:** گاهی پس از حذف وجه‌شبه و ادات تشبیه می‌توانیم مشبّه و مشبّه‌به را به صورت یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) بیاوریم.

**مثال:** آسمانِ دل (دل مشبّه و آسمان مشبّه‌به است).

مضاف مضاف‌الیه

به این نوع از تشبیه، اضافهٔ تشبیهی می‌گوییم.

**استعاره (نوع اول):** استعاره را می‌توان زیباترین آرایهٔ ادبی دانست! می‌خواهیم نحوهٔ پدیدآمدن استعاره را بررسی کنیم. یک موقع ما برای بیان شباهت میان دو چیز از آرایهٔ تشبیه استفاده می‌کنیم، مثلاً می‌گوییم پدر و مادر مانند خورشید و ماه، فضای خانه را هر لحظه روشن می‌کنند. پدر و مادر در جملهٔ بالا مشبّه است که به خورشید و ماه که مشبّه‌به‌اند، مانند شده است، وجه‌شبه هر لحظه فضای خانه را روشن کردن و ادات تشبیه، مانند است.

حالا اگر مشبّه را کنار بگذاریم و مشبّه را به جای آن بگوییم، استعاره شکل می‌گیرد:  
خورشید و ماه فضای خانه را هر لحظه روشن می‌کنند.  
در این حالت می‌گوییم خورشید و ماه استعاره از پدر و مادر هستند.  
نمونه‌ای دیگر:

### یکی درخت گل اندر میان خانه ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند

در این بیت، سعدی در ذهن خودش، محبوبش را به درخت گل مانند کرده است (یعنی تشبیه ساخته است)، سپس مشبّه (یعنی محبوب) را کنار گذاشته و فقط مشبّه به (درخت گل) را آورده است، در این حالت، درخت گل استعاره از محبوب است.  
**نماد:** در نظر بگیرید پارچه سفیدی از پنجره خانه روبه‌روی شما آویزان است و باد آن را تکان می‌دهد. آیا این تصویر، الزاماً بیانگر موضوع خاصی است؟ قطعاً نه.

حالا این تصویر را در نظر بگیرید: دشمن شهر شما را تسخیر کرده و تانک‌ها و سربازان بیگانه در خیابان در حال حرکت‌اند. همسایه روبه‌روی شما، پارچه سفیدی را از پنجره آویزان کرده و آن را تکان می‌دهد. به نظر شما، این تصویر حامل پیامی است یا مانند تصویر نخست، بیانگر موضوع خاصی نیست؟ فکر کنم قبول دارید که پارچه سفید (یا پرچم سفید) در حالت دوم، نشانه صلح و بیانگر تسلیم یا دوستی است، در این حالت می‌گوییم پارچه سفید، نماد صلح و دوستی (یا تسلیم‌شدن) است.  
چند نماد مشهور: **پارچه سیاه** نماد سوگواری، **گل سرخ** نماد عشق، **لاله** نماد شهید، **شب** نماد خفقان و ظلم و **صبح** (یا سحر) نماد آزادی و پیروزی است.  
در این درس نیز بلبل نماد عاشق مدّعی و دروغین و پروانه نماد عاشق حقیقی است.  
**ایهام:** یعنی به گمان افکندن و سر دوراهی قرار دادن. اگر در یک بیت یا یک جمله، با کلمه‌ای روبه‌رو شویم که حداقل دو معنی داشته باشد و هر دو معنی آن هم قابل قبول باشند، در این صورت آن کلمه ایهام دارد؛ پس ایهام، آوردن واژه‌ای است با حداقل دو معنی که هر دو معنی آن مورد نظر شاعر بوده باشد. به مثال زیر دقت کنید:

### آواز تیشه امشب از بیستون نیامد گویا به خواب شیرین فرهاد رفته باشد (هزین لاهیجی)

در این بیت شیرین ایهام دارد، زیرا شیرین هم به معنی خوش و همانم معشوق فرهاد است و هر دو معنی را هم می‌توان در شعر جای‌گذاری کرد:  
امشب صدای تیشه از کوه بیستون نمی‌آید، احتمالاً فرهاد **۱** به خواب خوش رفته است یا **۲** به خواب شیرین‌خانم رفته است.  
پس برای به وجود آمدن آرایه ایهام باید دو اتفاق صورت بگیرد:  
**۱** کلمه‌ای دارای دو معنی باشد. **۲** هر دو معنی در جمله قابل جای‌گذاری باشد.  
به ابیات زیر دقت کنید و ببینید آیا کلمات مشخص شده ایهام دارند یا خیر؟

### گفت می‌باید تو را تا خانه قاضی برم / گفت رو صبح آی قاضی نیمه‌شب بیدار نیست با محتسبم عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

در بیت اول بیدار ایهام دارد و به دو صورت در این بیت قابل معنا است: **۱** متضاد خواب: بیدار نیست یعنی خواب است. **۲** آگاه و باوجدان  
در بیت دوم مدام ایهام دارد و به دو صورت در این بیت قابل معنا است: **۱** دائمی و همیشگی: یعنی دنبال عیش و نوش دائمی و همیشگی است.  
**۲** شراب: یعنی در طلب و به دنبال عیش و نوش با شراب است.  
**ایهام تناسب:** هرگاه واژه ایهام‌ساز در بیتی به کار رود، اما فقط با یک معنی، قابل جای‌گذاری باشد و معنای غیر قابل قبول آن با یک یا چند واژه مراعات نظیر بسازد، ایهام تناسب پدید می‌آید. مثال زیر را ببینید:  
سعدی در دیباجه گلستان می‌گوید:

### گل همین پنج روز و شش باشد / وین گلستان همیشه خوش باشد

گلستان یک معنی مشهور دارد که باغ و گلزار است، ولی وقتی در کلام سعدی ببینیم، معنای کتاب گلستان را هم به ذهن می‌آورد. حالا باید ببینیم که آیا با هر دو معنا قابل قبول است یا نه. سعدی می‌گوید: گل، مدت کمی عمر می‌کند و پس از آن پژمرده می‌شود، اما این گلستان همواره باصفا و باطراوت است. بدیهی است که با توجه به معنای مصرع اول، گلستان در مصرع دوم، در معنای گلزار فهمیده نمی‌شود و فقط در معنای کتاب خود سعدی، یعنی گلستان پذیرفتنی است. تا اینجا کار فهمیدیم که گلستان ایهام ندارد، چون با دو معنی، قابل جای‌گذاری در بیت نیست، اما با دقت بیشتر به کلمات بیت متوجه می‌شویم که در معنای غیر قابل قبولش، یعنی باغ و گلزار، با واژه گل تناسب دارد؛ در نتیجه می‌گوییم واژه گلستان در این بیت، ایهام تناسب دارد.  
مثالی دیگر:

### مُدام مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت / خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت

واژه مُدام دو معنا دارد: **۱** پیوسته **۲** شراب: این واژه در بیت بالا در معنای پیوسته قابل جای‌گذاری در بیت است، ولی در معنای دوم خود، یعنی شراب با مست و خراب تناسب یا مراعات نظیر می‌سازد. نتیجه می‌گیریم که واژه مُدام در این بیت ایهام تناسب دارد.

## قلمرو زبانی

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

| معنا                  | واژه معادل |
|-----------------------|------------|
| دارای نشان پیامبری    | .....      |
| شادی‌بخش              | .....      |
| به خدای تعالی بازگشتن | .....      |
| قطع کردن مقرّری       | .....      |

**پاسخ:** دارای نشان پیامبری: وسیم / شادی‌بخش: مُفَرِّح / به خدای تعالی بازگشتن: انابت / قطع کردن مقرّری: وظیفه‌بریدن

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آن‌ها در زبان فارسی وجود دارد.

**پاسخ:** قربت: نزدیکی ← غربت: دوری / حیات: زندگی ← حیاط: زمین جلوی ساختمان / خوان: سفره ← خان: رئیس، سرور / بحر: دریا ← بهر: برای / منسوب: نسبت داده شده ← منصوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

ح (..... - ..... - .....) ق (..... - ..... - .....) ع (..... - ..... - .....)

**پاسخ:** ح: فاحش، تحیّر، موج بحر / ق: قربت و نزدیکی، قبا، باسق، قسیم / ع: عَزّ و جَلّ، عصاره، اعراض، تَضَرّع

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

**پاسخ:** ضمیر یم در گلم مفعول است. (بوی گل چنان من را مست کرد.) / ضمیر یم در دامنم مضاف‌الیه دست است. (دامن از دستم برفت.)

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

**پاسخ:** طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت:

فعل است بعد از نعمت به قرینه لفظی حذف شده است (مزید نعمت [است]).

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد:

فعل است بعد از به به قرینه معنایی حذف شده است (همان به [است]).

## قلمرو ادبی

۱ واژه‌های مشخص‌شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

**پاسخ:** مرغ سحر: نماد مدعیان دروغین راه عشق / پروانه: نماد عاشقان راستین

۲ با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

۱ باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده.

۲ فزّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

**الف** آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

**ب** قسمت مشخص‌شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

**پاسخ:** الف) تشبیه: باران رحمت، فزّاش باد صبا، دایه ابر بهاری، بنات نبات و مهد زمین / سجع: رسیده و کشیده و بگسترد و بپرورد /

ب) فرش زمردین: استعاره از سبزه‌ها

## قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

۱ عاکفان کعبه جلالتش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ.

**پاسخ:** معنی: گوشه‌نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می‌کنند و می‌گویند: تو را چنان که شایسته است، پرستش نکردیم.

**مفهوم:** ناتوانی در پرستش شایسته خداوند

۲ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

**پاسخ:** معنی: یکی از عارفان به حالت تفکر عارفانه و مقاربه فرو رفته بود و در دریای کشف اسرار الهی غرق شده بود.

**مفهوم:** پاک‌کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی

۲ مفهوم کلی مصراع‌های مشخص‌شده را بنویسید.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

پاسخ: بهره‌مندی از نعمت و غافل‌نشدن از پروردگار رزاق

چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟  
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

پاسخ: تکیه‌کردن بر حمایت پیامبر اکرم ﷺ

گر کسی وصف او ز من پرسد  
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

پاسخ: ناتوانی از وصف خداوند / سکوت عارفانه

۳ از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد  
وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای (سعدی)

لغت بنان: سرانگشت، انگشت معنی هیچ نقّاشی تو را نمی‌بیند تا تصویری از تو بکشد و آن کسی هم که تو را دید، از فرط حیرت، قلم از دستش انداخته‌ای.

مفهوم ناتوانی در شناخت خداوند، متحیرشدن در برابر عظمت خداوند آرایه نقاش، نقش، کلک: مراعات نظیر / کلک از بنان کسی افکندن: کنایه

از متحیر و ناتوان ساختن او (در تصویرگری) دستور ضمیر «ت» در نقّاش: مفعول (هیچ نقّاش، تو را نمی‌بیند) / ضمیر «ش» در حیرتش: مضاف‌الیه

«بنان» (از حیرت، کلک از بنان او افکنده‌ای) توجه: مرجع ضمیر «ت» خداوند و مرجع ضمیر «ش» نقّاش است.

پاسخ: واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر منسوب که: ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ / چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

## گنج حکمت: گمان

این حکایت از کتاب کلیله و دمنه، ترجمهٔ نصرالله منشی است.

گویند که بَطّی در آب، روشنائی ستاره می‌دید، پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت.

لغت بَطّ: مرغابی / فرو گذاشتن: رها کردن، دست کشیدن معنی می‌گویند که مرغابی‌ای در آب، نور ستاره‌ای را می‌دید. تصوّر کرد که ماهی است.

تلاش می‌کرد آن را بگیرد اما چیزی به دست نمی‌آورد. وقتی که چندین بار تلاش کرد و نتیجه‌ای ندید، آن را رها کرد. دستور گویند در معنی می‌گویند آمده و مضارع اخباری است.

دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنائی است؛ قصدی نپیوستی و ثَمَرِ این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

لغت قصد پیوستن: تلاش کردن / ثَمَر: نتیجه معنی روزهای دیگر هر وقت که ماهی می‌دید، تصوّر می‌کرد که همان انعکاس نور است، تلاشی نمی‌کرد و

نتیجهٔ این تجربه آن بود که هر روز گرسنه بماند. دستور دیگر: صفت مبهم / بدیدی، بردی و نپیوستی در معنی می‌دید، نمی‌برد و نمی‌پیوست و ماضی استمراری

هستند. / همه: صفت مبهم / بماند: ماضی ساده

مفهوم کلی حکایت: پرهیز از تعمیم‌دادن یا مقایسهٔ نابجا

## سؤال‌های امتحانی درس اول (پاسخ در صفحهٔ ۲۸۶)

معنی واژه

معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

۵۹- وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد.

۶۰- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسِق گشته

۶۱- در خبر است از سرور کاینات

۶۲- عصارةٔ تَاقی به قدرت او شهد فایق شده.

۶۳- ما را چه تحفه کرامت کردی؟

۶۴- فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.

۶۵- بنات نبات در مهد زمین بیرورد.

۶۶- بازش بخواند باز اعراض فرماید.

۶۷- در بحر مکاشفت مستغرق شده.

۶۸- عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف.

۶۹- آن‌گه که از این معاملت باز آمد.

(فارج از کشور ۱۴۰۰)

(شهریور ۱۴۰۰)

(فارج از کشور ۱۴۰۲)

۷۰- هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات.

۷۱- تتمه دور زمان، محمد مصطفی

۷۲- یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

۷۳- واصفان حلیهٔ جمالش به تحیر منسوب

۷۴- گویند که بطی در آب، روشنایی ستاره می‌دید.

۷۵- مترادف واژهٔ «فایق» در عبارت «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده» کدام کلمه در متن زیر است؟

«مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمهٔ دور زمان، محمد مصطفی ﷺ...»

۷۶- «صاحب‌جمال، فرمانروا، برگزیده، خوش‌اندام» به ترتیب معنای کدام واژه‌هاست؟

الف) قسیم، مطاع، صفوت، جسیم      ب) جسیم، مطیع، نبی، قسیم

۷۷- واژهٔ «منت» در جملهٔ «منت خدای را، عزّ و جَلّ، که طاعتش موجب قربت است» در کدام معنا به کار نرفته است؟

الف) سپاس      ب) ستایش      ج) نیکویی      د) شکر

۷۸- کدام یک از واژه‌های بیت زیر، مترادف واژه‌های «خوان» و «موسم» هستند؟

«غم آن قدر دارم که می‌خواهم تمام فصل‌ها را      بر سفرهٔ رنگین خود بنشانمت، بنشین غمی نیست»

۷۹- معادل درست توضیح زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

«کسی که دیگری فرمان او را می‌برد: (مطاع – مطیع)

۸۰- از بین گروه واژه‌های زیر، معنای دو واژه نادرست است. درست هر یک را بنویسید.

«نسیم: خوشبو – باسق: بالیده – حلیه: زیور – ربیع: نوروز – شفیع: پایمرد – مزید: افزونی – قدوم: گام‌ها – تقصیر: کوتاهی»

۸۱- معنی واژه‌های مشخص‌شده به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟

«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.»

الف) آبرو، آشکار      ب) غیرت، زشت

۸۲- در عبارت‌های زیر کدام کلمه‌ها هم‌معنا هستند؟

«عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف»

«چون به آن‌چه دارم و اندک است، قانعم، وزر و وبال این، چه به کار آید؟»

۸۳- معنای کدام واژه‌ها درست نیامده است؟

الف) انابت: توبه / ب) فایق: برتر / ج) وسیم: پیامبر / د) شهد: عسل ه) بنات: دختران / و) ورق: برگ / ز) قدوم: رسیدن / ح) بنان: انگشتان

۸۴- برابر معنایی مناسب عبارت‌های زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خدا در همهٔ احوال، عالم بر ضمیر اوست. (مکاشفت – مراقبت)

ب) جامه‌ای که از پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. (قبا – جیب)

۸۵- جملهٔ «حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد.»، توضیح کدام واژه است؟

الف) انابت      ب) انبساط      ج) معاملت

۸۶- معنی درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع بخواند. (دعاکردن – التماس کردن)

ب) واصفان حلیهٔ جمالش به تحیر منسوب (نسبت داده شده – گماشته‌شده)

۸۷- کدام واژه جزء معانی کلمهٔ مشخص‌شده در عبارت زیر نیست؟

الف) واصفان حلیهٔ جمالش به تحیر منسوب (آشفستگی – سرگشتگی – سرگردانی)

ب) شفیع مطاع نبی کریم (رسول – پیام‌آور – پیشوا)

۸۸- در عبارت «وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد» واژهٔ مشخص‌شده به کدام معناست؟

الف) روزی همیشگی      ب) رزق معین      ج) رزق روزانه

۸۹- در جملهٔ «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده.» کدام کلمه به معنی «رَز» است؟

۹۰- «کرامت‌کردن» در جملهٔ «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی.» مترادف با کدام کلمهٔ بیت زیر است؟

«همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی      همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی»

۹۱- در جملهٔ «دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.» واژهٔ «دایه» به چه معناست؟

۹۲- در عبارت «در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و صفوت آدمیان و تتمهٔ دور زمان، محمد مصطفی» قسمت مشخص‌شده به چه معناست؟

(دی ۹۸، با اندکی تغییر)

(شهریور ۱۴۰۲)

(فرورداد ۱۴۰۴)

(خارج از کشور فرورداد ۱۴۰۰)

(فرورداد ۹۸)

۹۳- واژه «عاکفان» در جمله «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف» به چه معناست؟

۹۴- در جمله «وظیفه روزی به خطای منکر نبرد» واژه‌های مشخص شده چه معنایی دارند؟

۹۵- در بیت زیر، کدام واژه به معنای «پایمرد» است؟

«شفیع مطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم وسیم»

املا

۹۶- در کدام یک از عبارات‌های زیر غلط املایی وجود دارد؟ درست آن را بنویسید.

(الف) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

(ب) هر که یکی از بندگان گنهکار دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.

۹۷- املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(الف) در خبر است از سرور کاینات و رحمت عالمیان و (سفوت - صفوت) آدمیان.

(ب) واصفان حلیه جمالش به تحیر (منسوب - منصوب) که: ما عرفناک حق معرفتک

(ج) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در (بحر - بهر) مکاشفت مستغرق شده.

(د) تخم خرمایی به تربیتش نخل (باصق - باسق) گشته.

(ه) همه از (بحر - بهر) تو سرگشته و فرمانبردار

(و) (عصاره - عساره) تاکی به قدرت او شاهد فایق شده.

۹۸- در کدام یک از عبارات‌های زیر نادرستی املایی مشاهده می‌شود؟ درست آن را بنویسید.

(الف) منت خدای را عز و جل، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

(ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاد.

(ج) یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تهنه کرامت کردی؟»

(د) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

۹۹- در کدام عبارت غلط املایی وجود دارد؟

(الف) هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات.

(ب) پرده ناموس بنده‌گان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

(ج) دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بی‌رود.

(د) دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

۱۰۰- در گروه کلمات زیر «غلط‌های املایی» را بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

«خلعت نوروزی - قبابی سبز ورق - قدوم موصم ربیع - حلیه جمال - سرور کاینات - مطاع و فرمانروا - تضرع و زاری - گناه فاهش - انابت و توبه -

زیبا و قسیم»

۱۰۱- در کدام گزینه املای همه واژه‌ها به درستی آمده است؟

(الف) اعراض و روی گردانی - عز و ذل - فرو گذاشتن کار

(ج) تحیر و سرگشتگی - باد سبا - بط و مرغابی - شهد فایق

۱۰۲- کدام یک از ابیات زیر فاقد غلط املایی است؟

(الف) همه از بحر تو سرگشته و فرمانبردار

(ب) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

۱۰۳- در کدام یک از گزینه‌های زیر غلط املایی وجود دارد؟ درست آن را بنویسید.

(الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب.

(ب) سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و سفوت آدمیان و تتمه دور زمان.

دستور

۱۰۴- زمان فعل مشخص شده در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی‌نشان چه گوید باز؟» با فعل کدام عبارت متفاوت است؟ (فرداد ۱۴۰۳)

(الف) بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

۱۰۵- در هر عبارت، واژه‌ای را که در زبان فارسی «هم‌آوا» دارد، مشخص کنید.

(الف) «منت خدای را، عز و جل، که طاعتش موجب قربت است.

(ب) هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات.

### ۱۰۶- کدام گزینه واژه‌های هم‌آوا در زبان فارسی ندارد؟

- الف) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان، محمد مصطفی  
 ب) چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟  
 ج) فَرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.  
 ۱۰۷- در عبارت زیر واژه دارای «هم‌آوا» را بیابید و مترادف آن را بنویسید.

«باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده»

### ۱۰۸- در هر یک از عبارت‌های زیر نوع حذف (لفظی - معنایی) را تعیین کنید.

- الف) هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است و چون برمی‌آید مفزح ذات.  
 ب) عصارة ناکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش، نخل باسق گشته.  
 ج) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

### ۱۰۹- در کدام بیت «حذف به قرینه معنایی» صورت نگرفته است؟

- الف) چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟  
 ب) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی  
 ج) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار  
 ۱۱۰- نوع حذف را در عبارت‌های زیر مشخص کنید.

- الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد  
 ب) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت  
 ج) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدناک حقّ عبادتک»  
 د) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

### ۱۱۱- در کدام عبارت «متّم» با دو حرف اضافه آمده است؟

- الف) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان  
 ب) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.  
 ج) درختان را به خلعت نوروزی، قبای سبز ورق در بر گرفته.

### ۱۱۲- در مصراع نخست کدام یک از ابیات زیر «که» پیوند وابسته‌ساز نیست؟

- الف) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید؟  
 ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد  
 ج) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی  
 د) چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان  
 ۱۱۳- نقش دستوری ضمیرهای پیوسته مشخص شده را بنویسید.

- الف) ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد  
 ب) ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند، باز اعراض فرماید.  
 ج) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

### ۱۱۴- با توجه به عبارت زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید.

«مَنّت خدای را عزّ و جلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.»

الف) ضمیر پیوسته «ش» در نقش یکسانی به کار رفته است.

ب) در جمله پایانی، «مزید» مسند است.

ج) در جمله نخست «مَنّت» نهاد و «خدا» متّم است.

د) دارای یک «ترکیب وصفی» و سه «ترکیب اضافی» است.

### ۱۱۵- نقش دستوری ضمیر پیوسته در کدام گزینه نادرست آمده است؟

- الف) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید؟ (مضاف‌الیه)  
 ب) این مدّعیان در طلبش بی‌خبراند کان را که خبر شد خبری بازنیامد (متّم)

### ۱۱۶- نوع وابسته وابسته را در بیت زیر بنویسید.

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»



۱۱۷- نقش دستوری کدام «ضمیر متصل» در بیت زیر با جمله «بار دیگری بخواند. باز اعراض کند» یکسان است؟

«هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»

۱۱۸- نقش دستوری ضمیرهای «تو» در بیت زیر چیست؟

«همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبی»

۱۱۹- در عبارت «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته»:

الف) نقش دستوری ضمیرها (گسسته و پیوسته) را بنویسید.

ب) یک ترکیب وصفی در جملهٔ اول و یک ترکیب اضافی در جملهٔ دوم بیابید و بنویسید.

ج) نقش دستوری واژه‌هایی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده بنویسید.

۱۲۰- در کدام بیت هر دو نوع واو «عطف و ربط» دیده می‌شود؟

الف) همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

ب) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۱۲۱- در عبارت زیر نوع پیوندهای مشخص شده را بنویسید.

«دعوتش را اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.»

۱۲۲- در عبارت زیر یک «پیوند وابسته‌ساز» و یک «پیوند همپایه‌ساز» بیابید.

«مَنّت خدای را عزّ و جَلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.»

۱۲۳- با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»

الف) در کدام مصراع هر دو نوع پیوند (همپایه‌ساز و وابسته‌ساز) دیده می‌شود؟

ب) در مصراع اول نوع «واو» عطف است یا ربط؟

ج) در کدام مصراع جملهٔ پیرو (وابسته) وجود دارد؟

د) کدام نقش تبعی در مصراع اوّل دیده می‌شود؟

۱۲۴- نوع حرف «را» در عبارت‌های زیر چیست؟

الف) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.

ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده

ج) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده

د) از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟

۱۲۵- براساس نوع «را» کاربرد مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) کان سوخته را جان شد و آواز نیامد. (حرف اضافه - فکّ اضافه)

ب) دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را (فکّ اضافه - حرف اضافه)

۱۲۶- در کدام عبارت، نقش دستوری کلمهٔ نخست «مفعول» است؟

الف) دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

ب) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت

ج) دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم.

۱۲۷- با توجه به عبارت «عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که ما عبدناک حق عبادتک»:

الف) حذف به قرینهٔ لفظی است یا معنایی؟

ب) کَل عبارت جملهٔ ساده است یا مرکب؟

۱۲۸- در کدام بیت واژهٔ «دوتلفّظی» دیده می‌شود؟ آن واژه را بنویسید.

الف) عاشقان کشتگان معشوقانند برنیاید ز کشتگان آواز

ب) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار

۱۲۹- در کدام مورد «چون» پیوند وابسته‌ساز است؟

الف) چه غم دیوار اُت را که دارد چون تو پشتیبان؟

ب) به خاطر داشتم چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را

(قارچ از کشور فردا ۱۳۰۱ - با اندکی تغییر)

۱۳۰- با توجه به بیت: «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری» به پرسش‌ها پاسخ دهید.

الف) در مصراع دوم جمله هسته (پایه) و وابسته (پیرو) را نشان دهید.

ب) در مصراع اول حذف فعل به چه قرینه‌ای صورت گرفته است؟

ج) کدام نقش تبعی در بیت دیده می‌شود؟ نام آن را بنویسید.

۱۳۱- در عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده»:

الف) «فرش زمردین» ترکیب وصفی است یا اضافی؟

۱۳۲- کدام کلمه در عبارت زیر با واژه «وصف» در مصراع «گر کسی وصف او ز من پرسد» نقش دستوری یکسان دارد؟

«دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد»

۱۳۳- نوع «و» را در عبارت «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب» بنویسید.

۱۳۴- در عبارت «چون برسیدم بوی گلچمن چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»:

الف) جمله «پایه» یا «هسته» را مشخص کنید.

ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

۱۳۵- موارد خواسته شده را در عبارت زیر بیابید.

«یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»»

الف) ترکیب وصفی

ب) ترکیب اضافی

۱۳۶- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است.

ج) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات، محمد مصطفی

ه) از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟

د) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب

و) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

ز) دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

۱۳۷- در عبارت زیر نقش‌های تبعی را بیابید و نام آن را بنویسید.

«در خبر است از سرور کاینات و رحمت عالمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی ﷺ»

۱۳۸- در بیت «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد»:

الف) زمان دقیق فعل جمله دوم چیست؟

ب) جمله پایه (هسته) و پیرو (وابسته) را مشخص کنید.

ج) نقش کلمات «به»، خویش، درگاه را بنویسید.

### تاریخ ادبیات

۱۳۹- کتاب گلستان اثر ..... به نثر ..... نوشته شده است.

۱۴۰- کتاب کلیله و دمنه ترجمه کیست؟

۱۴۱- قالب شعری ابیات زیر چیست؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

کان را که خبر شد خبری باز نیامد

۱۴۲- درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید.

الف) کتاب گلستان سعدی به نثر مسجع نگاشته شده است.

ب) نصرالله منشی کتاب کلیله و دمنه را نوشته است.

### آرایه‌های ادبی

۱۴۳- در عبارت زیر، تشبیه را بیابید و مشبه و مشبه‌به آن را تعیین کنید.

«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد»

۱۴۴- با توجه به متن، به سؤالات پاسخ دهید.

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد»:

الف) یک مورد «اضافه تشبیهی» در متن بیابید.

ب) کدام واژه «استعاره» است؟ مفهوم آن چیست؟

ج) در این عبارت آرایه تشخیص را پیدا کنید.

(فرداد ۹۹)

(فارج از کشور فرداد ۱۳۰۱)

(فرداد ۱۳۰۲)

(دی ۱۳۰۳)

(فارج از کشور فرداد ۱۳۰۱)



(دی ۱۳۰۰)

۱۴۵- در عبارت مقابل کدام کلمه «مشبّه» است؟ «درختان را به خلعت نوروزی، قباى سبز ورق در بر گرفته»

۱۴۶- در تشبیهات عبارت مقابل مشبّه‌ها را مشخص کنید. «دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد»

۱۴۷- در عبارت زیر کاربرد آرایه‌های مراعات نظیر، .....، .....، ..... مشهود است.

«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده»

۱۴۸- کدام یک از ترکیب‌های مشخص شده، آرایه تشبیه را نشان می‌دهد؟

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده»

۱۴۹- در عبارت مقابل، مشبّه‌ه را مشخص کنید. «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده»

۱۵۰- آرایه مشترک عبارت‌های زیر چیست؟

الف) پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد. (ب) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب.

۱۵۱- کدام یک از واژه‌های مشخص شده در عبارت زیر، «مشبّه» نیست؟

«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده»

۱۵۲- در بیت زیر، کدام کلمات مجاز هستند؟ مفهوم هر یک را بنویسید.

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید؟»

۱۵۳- آرایه مشترک عبارت‌های زیر چیست؟

الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

ب) عصا تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۱۵۴- در کدام عبارت آرایه سجع وجود ندارد؟

الف) فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد.

ب) دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده، همی شرم دارم.

۱۵۵- در متن زیر کلماتی که آرایه «سجع» را پدید آوردند، مشخص کنید.

«هر نفسی که فرومی‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» (فرداد ۱۳۰۲)

۱۵۶- در هر یک از موارد زیر، کلمات مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی هستند؟

الف) فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد

ب) تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۱۵۷- آرایه‌های مشترک دو عبارت زیر را بنویسید.

«پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد»

«باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده»

۱۵۸- در مصراع دوم بیت زیر، به جز «مراعات نظیر» و «واج آرای» کدام آرایه ادبی مشهود است؟

«شفیع مطاع نبی کریم قسیم جسیم نسیم و سیم»

۱۵۹- آرایه درست عبارت و بیت زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عبدناک حقّ عبادتک (تلمیح - تضمین)

ب) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان (اسلوب معادله - حسن تعلیل)

۱۶۰- مفهوم کنایی قسمت مشخص شده را بنویسید.

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.»

۱۶۱- در مصراع «چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان» واژه‌های «بحر، کشتیان و نوح» در مراعات نظیر خود چه آرایه‌ای را پدید آورده‌اند؟

۱۶۲- با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده. آن‌که که از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریق

انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب

را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

الف) کلمات «بوستان، بوی گل» بیانگر چه آرایه‌ای هستند؟

ب) مفهوم کنایی «در بحر مکاشفت مستغرق شده» چیست؟

ج) در دو جمله نخست، کلمات ایجادگر آرایه سجع را تعیین کنید.

د) در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» کدام کلمات «جناس» دارند؟

(فرداد ۱۴۰۱)

۱۶۳- در بیت زیر، هر یک از کلمات مشخص شده نماد چه مفاهیمی هستند؟

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

۱۶۴- در عبارت زیر کاربرد آرایه‌های کنایه، ..... و ..... مشهود است.

«هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.»

۱۶۵- آرایه ادبی نادرست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (مراعات‌نظیر-مجاز-کنایه-استعاره)

ب) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟ (تلمیح-تشبیه-اسلوب معادله-مجاز)

۱۶۶- آرایه‌های «تضاد» و «سجع» را در عبارت زیر نشان دهید.

«هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفزح ذات»

۱۶۷- مفهوم کنایی قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ب) هرگه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت بردارد.

۱۶۸- در عبارت زیر کنایه را توضیح دهید.

«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد»

۱۶۹- برای هر یک از عبارت‌های زیر آرایه مناسب را از ستون مقابل انتخاب کنید. (یک آرایه اضافی است.)

الف) در بحر مکاشفت مستغرق شده (۱) استعاره

ب) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد. (۲) کنایه

(۳) سجع

(مرداد ۱۴۰۳)

۱۷۰- در عبارت زیر قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

«به خاطر داشتم چون به درخت گل رسم، دامنم پر کنم هدیه اصحاب را»

معنی شعر و نثر

بیت‌ها و مصراع‌های زیر را به نثر روان معنا کنید.

(شهریور ۱۴۰۰)

گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

(دی ۹۹)

کز عهده شکرش به در آید؟

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

برنیاید ز کشتگان آواز

کان را که خبر شد خبری باز نیامد

عذر به درگاه خدای آورد

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

بیدل از بی‌نشان چه گوید باز

کس نتواند که به جای آورد

۱۷۱- کرم بین و لطف خداوندگار

۱۷۲- ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز

۱۷۳- از دست و زبان که برآید

۱۷۴- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

۱۷۵- عاشقان کشتگان معشوق‌اند

۱۷۶- این مدعیان در طلبش بی‌خبراند

۱۷۷- بنده همان به که ز تقصیر خویش

۱۷۸- همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

۱۷۹- گر کسی وصف او ز من پرسد

۱۸۰- ورنه سزاوار خداوندی‌اش

۱۸۱- چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

۱۸۲- چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

جمله‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان معنا کنید.

(شهریور ۹۸)

۱۸۳- منت خدای را عز و جل، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

۱۸۴- درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته.

(فارج از کشور فرداد ۱۴۰۰) (فرداد ۱۴۰۳)

۱۸۵- خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.

(فرداد ۱۴۰۲)

۱۸۶- عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده.

(فرداد ۱۴۰۳)

۱۸۷- دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.

(فرداد ۱۴۰۱)

۱۸۸- پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.

۱۸۹- طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

۱۹۰- عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.

۱۹۱- اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.

۱۹۲- فَرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد.

۱۹۳- هر نفسی که فرومی‌رود، ممدّ حیات است (شهریور ۱۴۰۲) و چون برمی‌آید مفرّح ذات

۱۹۴- یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

۱۹۵- در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان، محمّد مصطفی.

۱۹۶- دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

۱۹۷- چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۱۹۸- وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

۱۹۹- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.

۲۰۰- واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب.

۲۰۱- ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند، باز اعراض کند.

### درک مطلب

۲۰۲- در عبارت «مَنْتَ خدای را عَزَّ و جَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت» چه امری موجب نزدیکی و افزونی نعمت دانسته شده است؟

۲۰۳- در بیت زیر شاعر، انسان را در انجام چه کاری ناتوان می‌داند؟

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید»

۲۰۴- نویسنده در عبارت زیر چه صفاتی را برای خدا برمی‌شمارد؟

«پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد»

۲۰۵- مفهوم کلی موارد زیر چیست؟

الف) «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده»

ب) «کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار»

۲۰۶- منظور از «فرش زمردین» در جمله «فَرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد» چیست؟

۲۰۷- با توجه به عبارت «دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد» مفهوم کلی عبارت چیست؟

۲۰۸- عبارت زیر نشان‌دهنده فرارسیدن چه فصلی از سال است؟ آن را چگونه توصیف می‌کند؟

«درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

۲۰۹- در عبارت «عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»:

الف) مرجع ضمیر «او» کیست؟

ب) منظور از «شهد فایق» چیست؟

۲۱۰- با توجه به دو بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»

الف) مخاطب شاعر کیست؟

ب) مفهوم کنایی جمله «نانی به کف آری» چیست؟

ج) توصیه شاعر در مصراع پایانی چیست؟

۲۱۱- در بیت زیر، منظور از «تقصیر» چیست؟ و شاعر برای جبران این تقصیر چه سفارشی دارد؟

«بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»

۲۱۲- عبارت زیر در توصیف کیست؟ منظور از «تتمّه دور زمان» چیست؟

«سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمّه دور زمان»

۲۱۳- شاعر در مصراع دوم بیت زیر چه صفاتی را به پیامبر اکرم ﷺ نسبت می‌دهد؟

«شَفِیْعَ مَطَاعَ نَبِیِّ کریم قَسِیْمَ جَسِیْمَ نَسِیْمَ و سِیْمَ»

۲۱۴- مفهوم کلی مصراع نخست بیت زیر چیست و منظور از «تو» چه کسی است؟

«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر، آن را که باشد نوح کشتیبان؟»

۲۱۵- در بیت «کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار» شاعر، شرمندگی خدا را در چه امری می‌داند؟

۲۱۶- مفهوم مشترک بیت «هیچ نقّاش نمی‌بیند که نقشی برکشد/ وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای» و عبارت زیر چیست؟

«واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که «ما عرفناک حقّ معرفتک»»

۲۱۷- در بیت «ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز/ کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» منظور از «سوخته» مرغ سحر است یا پروانه؟

۲۱۸- در بیت زیر، منظور شاعر از «بی‌دل» و «بی‌نشان» چیست؟

«گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»

۲۱۹- متن زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن‌گه که از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

الف) «مراقبت» در اصطلاح عرفانی به چه معناست؟

ب) منظور از «در بحر مکاشفت مستغرق شدن» چیست؟

ج) مقصود از «معاملت» چیست؟

د) منظور از «به طریق انبساط» چیست؟

ه) منظور از «صاحب‌دلان» چه کسانی هستند؟

و) «سر به جیب مراقبت فرو بردن» کنایه از چیست؟

۲۲۰- در عبارت زیر مقصود از «درخت گل» و «بوی گل» چیست؟

«گفت به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

۲۲۱- در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» قسمت مشخص شده چه مفهومی دارد؟ (فارج از کشور فرداد ۱۳۰۰ - با اندکی تغییر)

۲۲۲- مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید. (فرداد ۱۳۰۳)

الف) عاشقان کشتگان معشوقانند  
ب) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

ب) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند  
ب) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند

۲۲۳- جملهٔ «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد» با کدام بخش از بیت زیر ارتباط مفهومی دارد؟ (فرداد ۱۳۰۳)

«همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی»  
الف ب

«همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی»  
ج د

۲۲۴- مفهوم کلی مصراع مشخص شده چیست؟ (دی ۱۳۰۲)

«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟»  
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

۲۲۵- «دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جلّ و علا - برداشتن» و بیت زیر به کدام مفهوم مشترک تأکید دارند؟ (شهریور ۱۳۰۱)

«بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»

۲۲۶- کدام بیت با عبارت «واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب که ما عرفناک حقّ معرفتک» ارتباط مفهومی دارد؟ (دی ۱۳۰۳)

الف) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی  
ب) همه عیبی تو بیوشی، همه غیبی تو بدانی

ب) همه عیبی تو بیوشی، همه غیبی تو بدانی  
نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی

# پاسخ نامہ تشریحی



## ستایش

۱. فضل: بخشش، کرم
۲. وهم: پندار، تصوّر، خیال
۳. ثنا: ستایش، سپاس
۴. سرور: شادی، خوشحالی
۵. سرور
۶. یکسان
۷. سرور (شادی، خوشحالی)
۸. شکوه
۹. گزینه «ب» در گزینه (الف) واژه «جود» و در گزینه (ج) واژه «فضل» به معنای «بخشش» هستند.
۱۰. گزینه «الف» بسیار مهربان
۱۱. حکیم: دانای راست کردار/ یقین: بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد. (یقین اسم است ولی واضح صفت است.)
۱۲. گزینه «ب» پویدن
۱۳. الف حکیم ب جلال
۱۴. گزینه «ج» چاره
۱۵. ذلّ (عزّ: ارجمندی، گرمی شدن، مقابل واژه ذلّ (پستی و حقارت))
۱۶. الف ثنایی (ثنا: ستایش و سپاس - ثنا: نور و روشنائی) ب شبه
۱۷. گزینه «ج» فضایی - فضایی (به معنای می افزایی و اضافه می کنی)
۱۸. گزینه «ب» ثنایی - سنایی
۱۹. گزینه «ب» («ثنا» به معنای «سپاس و ستایش» با واژه «سنا» به معنای «روشنائی» هم آوا است.)
۲۰. چهار فعل: بدانی، ببوشی، بکاهی، فزایی
۲۱. هشت فعل: در این بیت، «ی» در پایان «عزی، جلالی، علمی، یقینی، نوری، سروری، جودی، جزایی» کوتاه شده و شناسه فعل «هستی» است.
۲۲. گزینه «ب» به توحید سزایی = سزاوار هستی  
مسند فعل اسنادی
- (در گزینه (الف) «بؤد» فعل «غیراسنادی» (وجود داشته باشد) است: شاید برای او امکان رهایی از آتش دوزخ وجود داشته باشد.)
۲۳. جویم (می جویم)، پویم (می پویم): مضارع اخباری
- هنگام تعیین زمان و نوع فعل در متون ادبی، ابتدا آن ها را به زبان فارسی معیار بازگردانی می کنیم: فقط درگاه تو را می جویم، فقط از فضل تو می پویم (می روم).
۲۴. الف توحید تو: مضاف الیه ب تو همه غیبی را بدانی: نهاد
۲۵. گزینه «ب» درگاه تو، فضل تو، توحید تو
- در گزینه (الف) وصف تو، شبه تو: مضاف الیه/ تو در فهم نگنجی: نهاد
۲۶. متمم (برای او روی رهایی بُود).
۲۷. ذکر تو: مضاف الیه/ تو پاکی: نهاد
۲۸. الف هر دو «واو» بین دو جمله قرار گرفته اند و از نوع «ربط».
- (پیوند همپایه ساز) هستند.
- ب «واو» بین دو واژه آمده (نه دو جمله) و از نوع «عطف» است.
۲۹. گزینه «الف» تو همه غیبی بدانی، تو همه عیبی ببوشی  
نهاد مفعول فعل نهاد مفعول فعل  
۳۰. الف نماینده: مسند، ثنا: مضاف الیه ب تو: نهاد، فهم: متمم
۳۱. توحید (هر دو «مفعول» هستند).
۳۲. الف منادا و مفعول ب پیرو (وابسته) است، زیرا بعد از پیوند وابسته ساز «که» آمده است. ج معنایی (ملکا با تو سخن می گویم). د ۶ جمله
- ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی  
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶
- ه ترکیب وصفی: همان ره/ ترکیب اضافی: ذکر تو

۳۳. الف درست (آتش دوزخ، روی رهایی) ب نادرست (همه در معنای فقط به کار رفته و قید است). ج درست (چه چیزی توحید تو را می گوید؟)

ل و دندان سنایی)

نهاد معطوف به نهاد

۳۴. الف صفت مبهم - «همه» در معنای «هر» به کار رفته: هر غیبی، هر عیبی، هر بیشی، هر کمی

ب چهار مفعول: همه غیبی را، همه عیبی را، همه بیشی را، همه کمی را  
ج بلاغی: در همه جملات، مفعول بر نهاد مقدّم شده است، شیوه عادی جملات: تو همه غیبی بدانی، تو همه عیبی ببوشی، تو همه بیشی بکاهی، تو همه کمی فزایی

۳۵. گزینه «ب» (زیرا فعل «بؤد» در معنای «وجود داشته باشد» غیراسنادی است).

۳۶. حکیم سنایی غزنوی

۳۷. الف بکاهی - فزایی ب غیبی - عیبی

۳۸. لب و دندان: مراعات نظیر/ لب و دندان: مجاز از کل وجود

۳۹. جناس: فهم و وهم

۴۰. تلمیح: مصراع دوم تلمیح دارد به آیه «تعزّ من تشاء و تذلّ من تشاء»

۴۱. الف جناس (جویم، پویم، گویم) ب تلمیح (اشاره به آیه «تعزّ من تشاء و تذلّ من تشاء»)

۴۲. لب و دندان مجاز از کل وجود است.

۴۳. در واژه «روی» ایهام تناسب در دو معنای ۱- چاره، امکان ۲- چهره که با واژه های «لب و دندان» تناسب دارد.

۴۴. فقط درگاه تو را جست و جو می کنم و فقط به سبب بخشش تو در تلاش و حرکت.

۴۵. برای تو نمی توان شبیه و ماندنی گفت، زیرا تو در تصوّر و خیال ما در نمی آیی.

۴۶. همه زیاد و کم شدن ها در اختیار توست.

۴۷. ای خدا که پادشاه جهانی من نام تو را می گویم، زیرا تو پاک و پروردگار مایی.

۴۸. تو خدای دانا، بزرگ، بسیار بخشنده و بسیار مهربان هستی، تو نشان دهنده بخشش و شایسته ستایش هستی.

۴۹. همه وجود سنایی از یگانگی تو می گوید به این امید که امکان رهایی از عذاب جهنّم برایش وجود داشته باشد.

۵۰. تو سراسر ارجمندی و شکوه هستی، سراسر دانایی و اطمینان هستی، وجودت سراسر نور و شادی و بخشش و پاداش است.

۵۱. الف هدایتگری: زیرا خداوند را راهنمای خود می داند. ب بخشندگی: زیرا «نماینده فضل» یعنی نشان دهنده کرم و بخشش و بیانگر بخشندگی خداوند است. ج دانای اسرار: زیرا همه غیب ها را می داند.

۵۲. امید به رهایی از عذاب و جهنّم

۵۳. توصیف ناپذیری معشوق (خدا)

۵۴. گزینه «الف» (عزّت و ذلّت هر کس در اختیار و قدرت خداست).

۵۵. دلیل تلاش و حرکت فرد به سوی هدف، بخشش و کرم خداست.

۵۶. گزینه «ب» (هر دو به توصیف ناپذیری خدا و نگنجیدن شناخت خدا در فهم و توان آدمی اشاره دارند).

۵۷. دانا به عالم نهان، عیب پوشی، عزّت دهنده و ذلّت دهنده بندگان

۵۸. ۱- که تو راه را به من نشان بدهی. ۲- که تو راهنمای من هستی.

## درس اول: شکر نعمت

۵۹. وظیفه: وجه معاش، مقرّری/ منکر: زشت، ناپسند

۶۰. باسق: بلند، بالیده

۶۱. کائنات: همه موجودات جهان

۶۲. عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند، افشره، شیره/

تاک: درخت انگور، رز

۱۰۵. الف قربت (نزدیکی) و غربت (دوری) ب حیات (زندگی) و حیات (محوطه)
۱۰۶. گزینۀ «الف» در گزینۀ (ب) «بحر» و در گزینۀ (ج) «صبا» در زبان فارسی هم آوا دارند: «بهر» و «سبا»
۱۰۷. «خوان» با واژه «سفره» مترادف است و هم آوای آن «خان» (رئیس) است.
۱۰۸. الف حذف فعل «است» به قرینۀ لفظی (پس از کلمۀ «ذات») ب حذف کلمۀ «است» به قرینۀ معنایی (پس از کلمات «شده، گشته») ج حذف کلمۀ «بود» به قرینۀ لفظی (پس از کلمۀ «شده»)
۱۰۹. گزینۀ «ج» گزینۀ (الف) چه غم (است)، چه باک (است): حذف به قرینۀ معنایی / گزینۀ (ب) ملکا (با تو هستم): حذف به قرینۀ معنایی / گزینۀ (ج) گنه بنده کرده است و او شرمسار (است): حذف به قرینۀ لفظی
۱۱۰. الف قرینۀ معنایی (حذف فعل «است» پس از واژه به = بهتر) ب قرینۀ لفظی (حذف فعل «است» پس از واژه نعمت) ج قرینۀ معنایی (حذف فعل «هستند» پس از واژه «معترف») د قرینۀ لفظی (حذف فعل «است» پس از واژه «واجب»)
۱۱۱. گزینۀ «ب» (به شکر اندر) حرف اضافه متمم حرف اضافه
۱۱۲. گزینۀ «الف» (در گزینۀ (الف) کلمۀ «که» به معنای «چه کسی» و ضمیر پرسشی است و نقش مضاف الیه دارد: دست و زبان که، یعنی دست و زبان چه کسی؟)
۱۱۳. الف خداوندی او: مضاف الیه ب باز او را بخواند: مفعول ج مرا چنان مست کرد: مفعول، دامن از دست من برفت: مضاف الیه
۱۱۴. الف درست: طاعتش = طاعت او، به شکر اندرش = اندر شکر او «ش»؛ در هر دو جمله، مضاف الیه است. ب نادرست؛ جمله «به شکر اندرش مزید نعمت [است]» غیراسنادی است پس مسند ندارد.
- اندر شکر او، مزید نعمت وجود دارد. متمم مضاف الیه نهاد مضاف الیه
- ج درست: «مَّتَّ خدای را» یعنی: مَّتَّ، برای خدا [است] نهاد متمم
- در این جمله «را» حرف اضافه و در معنای «برای» به کار رفته است. د نادرست؛ این عبارت ترکیب وصفی ندارد. ترکیب های اضافی: طاعتش، موجب قربت، شکرش، مزید نعمت (۴ مورد)
۱۱۵. گزینۀ «ب» (در طلب او: مضاف الیه)
۱۱۶. «را» از نوع فک اضافه است و مصراع دوم به این صورت مرتب می شود: کان سوخته را جان ← جان آن سوخته: «آن» وابسته وابسته از نوع «صفت مضاف الیه» است. هسته صفت اشاره مضاف الیه برای مضاف الیه (واژه «سوخته» در این بیت، صفت جان شین اسم است.)
۱۱۷. ضمیر پیوستۀ «ت» در نقاشی؛ هر دو مفعول هستند: چه کسی را بخواند؟ او را، چه کسی را نمی بیند؟ تو را؛ «ش» در «حیرتش» مضاف الیه است: از شدت حیرت، کلک از بنای او افکنده ای.
۱۱۸. تو (اول): متمم (از بهر: حرف اضافه است.) / تو (دوم): نهاد
۱۱۹. الف او: مضاف الیه، ش: مضاف الیه (تربیت او) ب شهد فایق: ترکیب وصفی؛ تخم خرما، تربیتش، ترکیب اضافی ج قدرت: متمم، شهد: مسند، فایق: صفت
۱۲۰. گزینۀ «ب» مصراع اول: ایر و باد و مه و خورشید و فلک، هر چهار «و» از نوع عطف است، زیرا بین واژه ها آمده نه بین جمله ها / مصراع دوم: تویی به کف آری و به غفلت نخوری، «و» بین دو جمله آمده و از نوع ربط است. در الف همه «و» ها، «از نوع ربط» است، زیرا میان جملات قرار گرفته است.
۱۲۱. «و» پیوند همپایه ساز، «که» پیوند وابسته ساز
۱۲۲. «که» پیوند وابسته ساز، «و» پیوند همپایه ساز

۶۳. تحفه: هدیه، ارمغان
۶۴. فزایش: فرش گستر، گسترندۀ فرش
۶۵. نبات: گیاه، رُستنی
۶۶. اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی
۶۷. مکاشفت: کشف و آشکار ساختن، پی بردن به حقایق
۶۸. معترف: اقرار کننده، اعتراف کننده
۶۹. معاملات: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی
۷۰. مُید: یاری گر، مدد کننده / مفزع: شادی بخش، فرح انگیز
۷۱. تنقه: باقی مانده
۷۲. جیب: گریبان، یقه
۷۳. واصفان: وصف کنندگان، ستایندگان
۷۴. بط: مرغابی
۷۵. فایق با صفوت و مصطفی مترادف است و هر سه به معنای برگزیده هستند.
۷۶. گزینۀ «الف» (قسیم: صاحب جمال / مطاع: فرمانروا، اطاعت شده / صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر / جسیم: خوش اندام) / گزینۀ (ب) جسیم: خوش اندام / مطیع: اطاعت کننده / نبی: پیامبر، رسول / قسیم: صاحب جمال
۷۷. گزینۀ «ب» (ستایش)
۷۸. خوان: سفره / موسم: فصل
۷۹. مطاع
۸۰. ربیع: بهار / قدوم: آمدن، رسیدن، قدم نهادن
۸۱. گزینۀ «الف»
۸۲. «تقصیر و وبال و وزر» (همگی یکی از معانی شان، «گناه» است.)
۸۳. ج وسیم: دارای نشان پیامبری ه بنان: انگشت، سر انگشت
۸۴. الف مراقبت: مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است. ب قبا: جیب: گریبان، یقه
۸۵. گزینۀ «ب» انبساط (خودمانی شدن)؛ گزینۀ (الف) انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی، گزینۀ (ج) معاملات: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی
۸۶. الف تضرع: التماس کردن، زاری کردن ب منسوب: نسبت داده شده
۸۷. الف آشفتگی ب پیشوا
۸۸. گزینۀ «ب» وظیفۀ روزی: رزق معین و مقرر
۸۹. تاک: درخت انگور، رز
۹۰. «جود» (هر دو به معنای «بخشیدن و بخشش» هستند.)
۹۱. زنی که به جای مادر به کودک شیر می دهد یا از او پرستاری می کند.
۹۲. مایۀ تمامی و کمال گردش روزگار، مایۀ کمال دور زمان رسالت
۹۳. عاکفان: کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
۹۴. روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می آورد یا به او می رسد. / منکر: زشت، ناپسند
۹۵. شفیع: شفاعت کننده، پایمرد
۹۶. گزینۀ «الف» خان ← خوان (سفره)
۹۷. الف صفوت ب منسوب ج بحر د باسق ه بهر و عصاره
۹۸. گزینۀ «ج» تهفه ← تحفه
۹۹. گزینۀ «ب» بنده گان ← بندگان
۱۰۰. موصم ← موسم / فاهش ← فاحش
۱۰۱. گزینۀ «الف»
- در گزینۀ (ب) قربت / گزینۀ (ج) صبا / گزینۀ (د) مطاع
۱۰۲. گزینۀ «ب» (در بیت (الف) بحر غلط است و باید به صورت بهر نوشته شود.)
۱۰۳. گزینۀ «ب» سفوت ← صفوت
۱۰۴. گزینۀ «الف» در اینجا فعل «بخواند» در معنای «می خواند» به کار رفته و مضارع اخباری است. «پرسد» (= بپرسد) و شود (= بشود) مضارع التزامی هستند.

**۱۲۳ الف** مصراع دوم (تا: پیوند وابسته‌ساز/ و: پیوند همپایه‌ساز) **ب** عطف (زیرا بین چند کلمه آمده است.) **ج** مصراع دوم (زیرا پیوند وابسته‌ساز «تا» دارد.)

**د** معطوف

**۱۲۴ الف** حرف اضافه (به همه رسیده) **ب** فک اضافه (بر سر اطفال شاخ) **ج** حرف اضافه (به فزایش باد صبا) **د** حرف اضافه (برای ما)

**۱۲۵ الف** فک اضافه (جان آن سوخته) **ب** حرف اضافه (برای هدیه‌ی اصحاب)

**۱۲۶** گزینۀ «ج» گزینۀ (الف) به دایۀ ابر بهاری فرموده: متمم / گزینۀ (ب) بوی گل، مرا مست کرد: نهاد / گزینۀ (ج) دعوت را اجابت کردم: مفعول

**۱۲۷ الف** معنایی (... به تقصیر عبادت معترف هستند.) **ب** مرگب (زیرا پیوند وابسته‌ساز «که» آمده است.)

**۱۲۸** گزینۀ «ب» خداوندگار، خداوندگار

**۱۲۹** گزینۀ «ب» (زیرا به معنای «وقتی که» است.)

**۱۳۰ الف** شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

جمله هسته پیوند وابسته‌ساز جمله وابسته

«که» پیوند وابسته‌ساز است و این یعنی تولیدکننده جمله وابسته است. منطقاً قرار نیست جمله قبل از خود را وابسته کند! به بعد از «که» نگاه کنید تو فرمان نبری، این جمله وابسته است، زیرا اولش «که» دارد. **ب** فعل «هستند» به قرینۀ معنایی حذف شده است. **ج** «فرمانبردار» بعد از «واو» عطف آمده و نقش تبعی از نوع معطوف است.

**۱۳۱ الف** وصفی (زمردین به معنای سبزرنگ، ویژگی فرش را مطرح می‌کند.) **ب** گفته است: ماضی نقلی / بگسترد: مضارع التزامی

**۱۳۲** «بنات» هر دو مفعول هستند. (وصف او را بپرسد، بنات نبات را بپروارند.)

**۱۳۳** بین دو جمله آمده و حرف ربط (پیوند) هم‌پایه‌ساز است.

**۱۳۴ الف** بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت: جمله مرگب جمله پایه (هسته) پیوند وابسته‌ساز جمله پیرو (وابسته)

**ب** م: مفعول / مست: مسند (بوی گل مرا چنان مست کرد)

**۱۳۵ الف** این بوستان یا چه تحفه («این» صفت اشاره و «چه» صفت پرسشی است و به عنوان صفت پیشین، واژه‌های بوستان و تحفه را وصف می‌کنند.)

**ب** طریق انبساط (اسم + = + اسم)

**۱۳۶ الف** طاعت: نهاد / قربت: مضاف‌الیه؛ قربت (نزدیک‌بودن) اسم است و آن را با قریب (نزدیک) اشتباه نگیرید. **ب** وظیفه: مفعول / منکر: صفت **ج** سرور: متمم / موجودات: مضاف‌الیه **د** واصفان: نهاد / منسوب: مسند **ه** بوستان: متمم / تحفه: مفعول **و** مرغ: منادا / پروانه: متمم **ز** دایه: متمم (دایۀ ابر بهاری را فرموده: به دایۀ ابر بهاری فرموده) در این جمله «را» از نوع حرف اضافه است.

**۱۳۷** رحمت عالمیان، تنه دور زمان: معطوف / محمد مصطفی: بدل

**۱۳۸ الف** آورد = بیاورد: مضارع التزامی **ب** بنده همان به (است) که از تقصیر خویش به درگاه خدای عذر آورد **ج** به: مسند / خویش: جمله پیرو

مضاف‌الیه / درگاه: متمم

**۱۳۹** سعدی، مسجع؛ در متن «ذوق لطیف» (سال یازدهم) دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نوشته بود که «خواندن گلستان مرا به سوی تقلید از سبک «مسجع» سوق داد. اینجا لازم بود یادآوری کنیم که گلستان سعدی به خاطر سجع‌های فراوان، به سبک «مسجع» است.

**۱۴۰** نصرالله منشی

**۱۴۱** قطعه (زیرا مصراع‌های زوج هم‌قافیه و ردیف هستند.)

**۱۴۲ الف** درست **ب** نادرست (کليلة و دمنه ترجمۀ نصرالله منشی است.)

**۱۴۳** پرده ناموس؛ ناموس: مشته، پرده: مشته‌به

ناموس همچون پرده‌ای است که پاره می‌شود  
مشته ادات مشته‌به  
وجه‌شبه

**۱۴۴ الف** فزایش باد صبا - دایۀ ابر بهاری - بنات نبات - مهد زمین (یکی از این چهار مورد) **ب** فرش زمردین، استعاره از سبزه و چمن **ج** سخن گفتن خداوند با باد صبا و ابر بهاری، دایه‌بودن ابر بهاری آرایۀ تشخیص به وجود آورده‌اند.

**۱۴۵** قبا

ورق (برگ) به قبا سبزرنگ تشبیه شده است.

مشته مشته‌به

**۱۴۶** ابر بهاری، نبات، زمین

ابر بهاری مانند دایه است  
مشته مشته‌به

نبات (گیاه) را مانند دختران، در زمین مانند مهد بپروارند.

مشته مشته مشته‌به مشته‌به

**۱۴۷** جناس، تشبیه، تشخیص

بر، سر: جناس ناهمسان / اطفال شاخ: تشبیه؛ شاخ: مشته، اطفال: مشته‌به / قدوم ربیع: قدم‌نهادن بهار تشخیص است. / شاخه، شکوفه: مراعات نظیر

**۱۴۸** بحر مکاشف

مکاشفۀ عارف را به دریا تشبیه کرده است.

مشته مشته‌به

جیب مراقبت: از یک منظر «اضافۀ اقتراانی» و از منظری دیگر، نوعی استعاره است؛ مراقبۀ عارف را به لباسی تشبیه کرده است که جیب (گریبان) دارد.

**۱۴۹** باران، خوان (رحمت خدا چون باران است. / نعمت خدا چون خوان است.)

**۱۵۰** تشبیه

(پرده ناموس، حلیۀ جمال)

مشته‌به مشته مشته

**۱۵۱** اطفال (شاخه به اطفال و شکوفه به کلاه تشبیه شده‌اند.)

**۱۵۲** دست مجاز از توانایی و عمل، زبان مجاز از سخن و گفتار

**۱۵۳** آرایۀ سجع هماهنگی کلمات پایان جملات در حرف آخر یا وزن یا هر دو است. «قربت و نعمت، فایق و باسق، شده و گشته» ارکان سجع این دو عبارت هستند.

**۱۵۴** گزینۀ «الف» زیرا کلمات پایانی جملات، هماهنگ نیستند. در گزینۀ (ب) کلمات «کردم، برآوردم، دارم» آرایۀ سجع را پدید آوردند.

**۱۵۵** حیات و ذات، موجود و واجب

**۱۵۶ الف** استعاره (گوینده در ذهن خود چمن و سبزه را به فرش سبزرنگ تشبیه کرده و مشته را از کلام حذف کرده است.) **ب** مجاز (نان مجاز از رزق و روزی)

**۱۵۷** تشبیه، سجع

پرده ناموس، باران رحمت، خوان نعمت: ترکیب‌های تشبیهی هستند.

ندرد و نبرد، رسیده و کشیده: کلمات سجع هستند.

**۱۵۸** جناس ناهمسان (ناقص)؛ بین هر چهار واژه مصراع دوم، جناس برقرار است.

**۱۵۹ الف** تضمین (زیرا بخشی از آیه قرآن ذکر شده است.) **ب** اسلوب معادله (زیرا بر پایه تشبیه در مفهوم مصراع‌ها، ارتباط معنایی وجود دارد.)

**۱۶۰** کنایه از در حال تفکر و تأمل عارفانه از توجه به غیر حق دور شده بود.

**۱۶۱** تلمیح (یادآور سوار کردن همه قوم و دیگر حیوانات بر کشتی حضرت نوح علیه السلام و کشتیبانی و هدایتگری این پیامبر در دریای طوفانی است.)

**۱۶۲ الف** استعاره - بوستان استعاره از شناخت خدا، بوی گل استعاره از جلوه شناخت خدا **ب** در حال پی‌بردن به حقایق الهی **ج** برده، شده **د** دست، مست

**۱۶۳** مرغ سحر نماد عاشق مدعی و ظاهری / پروانه: نماد عاشق واقعی

**۱۶۴** جناس ناهمسان (در کلمات «انابت و اجابت»)

سجع (در کلمات پایانی جملات «بردارد، نکند»)

۱۶۵. الف استعاره ب مجاز

الف ابر و باد و مه و خورشید و فلک: مراعات نظیر و مجاز از همه آفرینش/ نان به کف آری: کنایه از کسب روزی ب دیوار امت: تشبیه/ مصراع دوم: تلمیح/ کل بیت: اسلوب معادله

۱۶۶. فرومی رود و برمی آید: تضاد/ حیات و ذات: سجع

۱۶۷. الف کنایه از خود بی خود شدن ب کنایه از بدبخت و بیچاره

۱۶۸. پرده ناموس کسی را دیدن: کنایه از رسوا و بی آبرو کردن کسی

۱۶۹. الف کنایه (در بحر مکاشفت مستغرق شدن کنایه از کشف حقایق الهی)

ب استعاره (فرش زمردین استعاره از سبزه و چمن)

۱۷۰. استعاره (معرفت و شناخت خدا را به درخت گل تشبیه کرده و سپس «مشبه» را حذف کرده است: استعاره)

۱۷۱. بخشش و لطف خداوند را ببین که بنده مرتکب خطا شده و خدا از عفو نکردن او شرمند می شود.

۱۷۲. ای بلبل! عشق واقعی را از پروانه یاد بگیر، زیرا پروانه جان خود را فدا می کند و صدایی از او بلند نمی شود.

۱۷۳. هیچ کس نمی تواند با کردار و سخن خود، شکرگزاری از خدا را انجام دهد.

۱۷۴. تمامی پدیده ها از ابر و باد و ماه و خورشید و آسمان در فعالیت هستند که تو (ای انسان) روزی خود را به دست بیاوری و در نا آگاهی نباشی.

۱۷۵. عاشقان در راه معشوق فدا شده اند و عاشقان فدا شده صدایی شنیده نمی شود.

۱۷۶. این عاشقان مدعی از حقیقت عشق نا آگاه هستند، زیرا کسی که از معشوق به شناخت و آگاهی برسد، خبری از او به دیگران نمی رسد.

۱۷۷. همان بهتر است که بنده به خاطر کوتاهی (در شکر و عبادت) در پیشگاه خدا عذرخواهی کند.

۱۷۸. همه پدیده ها برای راحتی تو فرمانبردارت هستند و منصفانه نیست که تو از خدا اطاعت نکنی.

۱۷۹. اگر کسی درباره توصیف خدا از من بپرسد، من عاشق از خدایی که نشانه ظاهری ندارد، چه بگویم؟

۱۸۰. وگرنه آن گونه که سزاوار خداوند است، هیچ کس نمی تواند شکر خدا را به جای آورد.

۱۸۱. هر کسی نا خدا و هدایتگری چون حضرت نوح علیه السلام داشته باشد از امواج دریای خروشان، ترسی ندارد.

۱۸۲. (ای پیامبر) مردمی که حامی و پشتیبانی چون تو دارند، هیچ غمی ندارند.

۱۸۳. شکر و سپاس مخصوص خداوند است که فرمانبرداری از او موجب نزدیکی به درگاهش می شود و شکرگزاری از او نعمت را زیاد می کند.

۱۸۴. بر تن درختان به عنوان لباس نوروزی، برگ سبزرنگ را پوشانده است.

۱۸۵. نعمت سخاوتمندانه خدا مانند سفره فراخ در همه جا پهن شده است.

۱۸۶. شیره درخت انگوری با قدرت او به عسل خالص تبدیل شده است.

۱۸۷. دست خود را برای توبه و پشیمانی و به امید پذیرش به درگاه خدا بلند کند.

۱۸۸. به خاطر گناه آشکار، بنده ای را رسوا و بی آبرو نمی کند.

۱۸۹. اطاعت از خدا باعث نزدیکی به او می شود و سپاسگزاری از خدا موجب افزایش نعمت است.

۱۹۰. گوشه نشینان کعبه بزرگی خدا به کوتاهی از عبادت اقرار می کنند.

۱۹۱. به مناسبت فرارسیدن بهار بر سر شاخه های کوچک درختان، کلاهی از شکوفه قرار داده است.

۱۹۲. خدا به باد صبا که چون فرش گستری است، فرمان داده است که فرشی از چمن را پهن کند.

۱۹۳. هر نفسی که فرومی رود، یاریگر زندگی است و وقتی نفس بیرون می آید (بازدم)، شادی بخش وجود است.

۱۹۴. یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه دل خود را از توجه به غیر حق حفظ کرده بود.

۱۹۵. از سرور موجودات و موجب افتخار جهانیان و موجب رحمت تمام انسان ها، محمد مصطفی، حدیثی است.

۱۹۶. خدا به ابر بهاری که مانند دایه ای است دستور داده است تا گیاهان را چون دخترانی در گهواره زمین پرورش دهد.

۱۹۷. وقتی رسیدم بوی گل شناخت خدا مرا آن گونه سرمست کرد که از خود بی خود شدم (اختیارم را از دست دادم).

۱۹۸. روزی مقرر بنده ها را به خاطر خطای زشت آن ها قطع نمی کند.

۱۹۹. هسته خرمایی به خاطر تربیت خدا به درخت خرمایی بلند تبدیل گشت.

۲۰۰. وصف کنندگان زیور زیبایی خدا به سرگشتگی نسبت داده شده اند.

۲۰۱. خدای بلندمرتبه به او توجهی نمی کند. بنده باز خدا را صدا می کند، خدا باز از او روی می گرداند.

۲۰۲. اطاعت از خدا و شکرگزاری

۲۰۳. شکرگزاری زبانی و عملی از خدا (هیچ کس قادر نیست در گفتار و کردار سپاس گزار حقیقی خدا باشد).

۲۰۴. عیب پوشی (ستار العیوب) و روزی دهندگی (رزاق) (خدا به خاطر گناه آشکار، کسی را بی آبرو نمی کند و به سبب گناه، روزی فردی را قطع نمی کند).

۲۰۵. الف گستردگی لطف و نعمت خدا برای همه (رحمت فراوان خدا به همه رسیده و نعمت بی مضایقه اش در همه جا گسترده است). ب لطف و بخشش خداوند به اندازهای است که از نبخشیدن گناه بندگان شرمگین می شود.

۲۰۶. چمن و سبزه

۲۰۷. رویش گیاهان بر روی زمین با بارش باران

۲۰۸. بهار، پر از برگ شدن درختان و شکفتن شکوفه ها (درختان پر از برگ سبز شدند و بر سر شاخه های نو، شکوفه ها شکفتند).

۲۰۹. الف خدا ب شاهد فایق از نظر لغوی «عسل خالص» است اما در اینجا، منظور از آن، حبه انگور یا شیره انگور است.

۲۱۰. الف انسان ب کسب رزق و روزی ج اطاعت و فرمانبرداری از خدا (ای انسان! همه خلقت در تسخیر توست به امر خدا تا تو روزی خود را به دست بیاوری پس منصفانه است که از خدا اطاعت کنی).

۲۱۱. تقصیر: گناه یا کوتاهی در عبادت و شکرگزاری از خدا، شاعر توصیه می کند انسان باید از خدا عذرخواهی کند و اظهار توبه و پشیمانی.

(همان بهتر است که بنده از کوتاهی خود در عبادت و شکر، به درگاه خدا اظهار عذرخواهی و ندامت کند).

۲۱۲. حضرت محمد صلی الله علیه و آله تتمه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار یا دوران رسالت پیامبری

۲۱۳. صاحب زیبایی، خوش اندام، خوشبو و دارای نشان پیامبری

۲۱۴. دلگرمی پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله به شفاعت و کمک او - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۲۱۵. نیامرزیدن و نبخشودن و عفو نکردن بنده

(به لطف و کرم خدا توجه کن که انسان مرتکب گناه شده و خدا شرمسار است که او نبخشاید و عفو نکند).

۲۱۶. حیرت و سرگشتگی انسان در شناخت و توصیف خدای بلندمرتبه

(هیچ کس قادر نیست تو را بشناسد و توصیف کند و همه از توصیف این همه زیبایی و عظمت اظهار ناتوانی و حیرت می کنند).

۲۱۷. پروانه

۲۱۸. بی دل: شاعر عاشق/ بی نشان: خدا

۲۱۹. الف مراقبت در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به خدا و یقین به اینکه خدا در همه احوال عالم و دانا به ضمیر اوست. ب بی بردن به حقایق الهی ج

مراقبت و مکاشفت عارف د به شیوه صمیمی و خودمانی ه عارفان و در حالت کشف و شهود عرفانی بودن

۲۲۰. درخت گل: شناخت و معرفت الهی، بوی گل: جلوه‌هایی از شناخت خدا
۲۲۱. سرمست و از خود بی‌خود شدن یا بی‌اختیار شدن
۲۲۲. سکوت یا بی‌آذغایی عاشقان حقیقی (رازداری عارفان یا به فنارسیدگان)
- (هر کسی به شناخت حقیقی برسد نمی‌تواند از این راز نزد کسی دیگر سخن بگوید و عارف و عاشق حقیقی آذغایی از شناخت معشوق ندارد و سکوت پیشه می‌کند.)
۲۲۳. ب (خداوند بندگان را به خاطر گناه آشکار بی‌آبرو نمی‌کند و همه عیب‌ها را می‌پوشاند، هر دو به «ستار العیوبی» خدا اشاره دارند.)
۲۲۴. تکیه بر حمایت پیامبر ﷺ
۲۲۵. توبه به درگاه خدا (انابت به معنی «توبه» است و مصراع دوم بیت «عذرخواهی و طلب بخشش و توبه» را بیان می‌کند.)
۲۲۶. گزینه «الف» (هر دو معتقدند خداوند توصیف‌ناپذیر است و وصف تو در درک و فهم آدمی نمی‌گنجد.)

### درس دوم: مست و هشیار

۲۲۷. والی: حاکم، فرمانروا
۲۲۸. افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند.
۲۲۹. داروغه: پاسبان و نگهبان، شبگرد
۲۳۰. صنعت: پیشه، کار، حرفه
۲۳۱. وجه: ذات، وجود
۲۳۲. مدام: می، پیوسته، همیشه
۲۳۳. اکراه: ناخوشایند داشتن امری
۲۳۴. غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن
۲۳۵. حد: کیفر و مجازات شرعی برای مجرم
۲۳۶. ختمار: می‌فروش
۲۳۷. دار ملک: سرزمین
۲۳۸. زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.
۲۳۹. صواب: درست، پسندیده، مصلحت
۲۴۰. ذوالجلال: خداوند، پروردگار، صاحب جلال و عظمت
۲۴۱. توبه‌فرمایان: کسانی که دیگران را به توبه و ترک گناه دعوت می‌کنند.
۲۴۲. گریبان: یقه، جیب
۲۴۳. درهم: دَرم، مسکوک نقره که در گذشته به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است.
۲۴۴. گزینه «ب» محتسب
۲۴۵. گریبان، جیب: یقه
۲۴۶. الف ۱ گرو ب ۲ زاهد
- معنای دو واژه دیگر:
- غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن
- واعظ: پنددهنده، سخنور اندرزگو
۲۴۷. الف پاداش ب هنر ج قاضی
۲۴۸. ادیب: معلم و مربی، سایر معانی: سخن‌دان، آداب‌دان، ادب‌شناس
۲۴۹. گزینه «الف» تزویر: نیرنگ، دورویی، ریاکاری
۲۵۰. موفق شدن در مسابقه و به دست آوردن گرو
۲۵۱. الف غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن ب والی: حاکم، فرمانروا
۲۵۲. گروبردن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگاه‌داشتن
۲۵۳. وجه: ذات، وجود - این واژه در بیت «وجه خدا اگر شودت منظر نظر/ زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی» نیز چنین معنایی دارد.
۲۵۴. زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد، ختمار: می‌فروش
۲۵۵. گزینه «الف» در این بیت، مطلق پول منظور است نه دقیقاً «سکه طلا».
۲۵۶. الف محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.

- ب داروغه: پاسبان و نگهبان، شبگرد/ والی: حاکم، فرمانروا/ می‌فروش
۲۵۷. الف صوابش (صواب: درست، پسندیده، مصلحت/ ثواب: پاداش)
- ب بحر (بحر: دریا؛ بحر: برای) ج بهر
۲۵۸. آر ← عار/ داروقه ← داروغه
۲۵۹. الف بگذار (رها کن) ب ذوالجلال
۲۶۰. گزینه «الف» قرامت ← غرامت
۲۶۱. گزینه «ب»
۲۶۲. گزینه «ج» آر ← عار
۲۶۳. گزینه «د» حاضر جوابی ← حاضر جوابی
۲۶۴. الف بهر، صد (هم‌آوا با کلمات «بحر، صد» هستند.) ب قاضی
- (هم‌آوا با واژه غازی به معنای جنگجو و بندباز)
۲۶۵. گزینه «الف» (است: فعل اسنادی، «شویم» در معنای «رویم» فعل غیراسنادی)
۲۶۶. الف غیراسنادی در معنای «برویم» ب اسنادی: اتوا صاحب‌خبر شوی = بگردی
۲۶۷. الف نیست: فعل اسنادی (خوابگاه مردم بدکار نمی‌باشد)
- ب نیست: فعل غیراسنادی (در معنی حضور ندارد یا وجود ندارد.)
۲۶۸. گزینه «ب»
- بررسی مصراع دوم ابیات:
- گزینه (ب) جای هیچ اکراه نیست یعنی جای هیچ اکراه (گروه اسمی در نقش نهاد) وجود ندارد (فعل غیراسنادی). / گزینه (الف) او، شرمسار (مسند) است! فعل اسنادی به قرینه لفظی حذف شده است. / گزینه (ج) این، عجب (مسند) نیست = نمی‌باشد (فعل اسنادی). / گزینه (د) نیامد بیش پرسیدن صوابش: بیش پرسیدن (نهاد)، برای او (متمم) صواب (مسند) نیامد = به نظر نرسید (فعل اسنادی)
۲۶۹. الف «را» نشانه مفعولی (چه کسی را وارهان؟ خود را) ب «را» فک اضافه (والی را سرای ← سرای والی) ج «را» حرف اضافه (به داروغه)
- د «را» نشانه مفعول (چه کسی را بیرم؟ تو را)
۲۷۰. سه مسند (مست، جرم، هموار)
- (مست هستی؛ این، جرم راه‌رفتن نیست، ره هموار نمی‌باشد.)
۲۷۱. الف «را» فک اضافه است، جای مضاف و مضاف‌الیه را عوض کرده و جانشین کسره شده است: والی را سرای ← سرای والی ب «شویم» به معنای «برویم» و غیراسنادی است. «نیست» به معنای «حضور ندارد» و غیراسنادی است.
۲۷۲. گزینه «ب» منظر نظر تو شود، صاحب‌نظر شوی گزینه (الف) در سرت
- هوای وصال است (وجود دارد)، خاک در گه اهل هنر شوی.
- نهاد غیراسنادی مسند
۲۷۳. نزدیک: مسند (سرای والی نزدیک است.)
- (فعل‌های «شویم» در معنای «برویم» و «نیست» در معنای «وجود ندارد» غیراسنادی هستند.)
۲۷۴. آگاه (هر دو نقش «مسندی» دارند: زاهد آگاه نیست. وجه خدا منظر نظر تو شود)
۲۷۵. الف درست (هر دو واژه قید هستند.) ب خود، بدل است. (بدل از توبه‌فرمایان) ج سه‌تا: ۱- «مشکلی» مفعول برای «دارم» ۲- کل جمله «توبه‌فرمایان چرا خود توبه کم‌تر می‌کنند» مفعول برای «بازپرس» ۳- «توبه» مفعول برای «می‌کنند» (=انجام می‌دهند) د پایه / دانشمند مجلس بازپرس [که] توبه‌فرمایان چرا خود توبه کم‌تر می‌کنند
- پایه (هسته) پیرو (وابسته)
۲۷۶. پیوند همپایه‌ساز: و / پیوند وابسته‌ساز: تا
۲۷۷. الف نادرست؛ «شویم» در معنای «برویم» به کار رفته و غیراسنادی است. ب درست ج نادرست: داروغه را گوئیم ← به داروغه (متمم) بگوئیم، مسجد (نهاد) خوابگاه (مسند) مردم (مضاف‌الیه) بدکار (صفت) نیست.

| خبر                       | فارسی ۳        | کلیه رشته‌ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | نمونه آزمون نیم سال دوم |
|---------------------------|----------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------|
| نمره                      | Kheilisabz.com | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     | آزمون شماره ۴ شبه‌نهایی |
| الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) |                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |                         |
| ۰/۲۵                      | ۱              | معنی واژه مشخص شده را بنویسید.<br>همواره عشق قدیم را موضوع <u>صحیفه</u> شعر خود می‌گرداند.                                                                                                                                                                                                                                                                                              |                         |
| ۰/۲۵                      | ۲              | کدام واژه جزء معانی کلمه مشخص شده نیست؟<br>همچو نی <u>دمساز</u> و مشتاقی که دید (دردمند - مونس - همراز - درد آشنا)                                                                                                                                                                                                                                                                      |                         |
| ۰/۲۵                      | ۳              | مترادف واژه «معلق» در عبارت «غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس‌پر، تک‌تک از غیب سر می‌زنند.» کدام واژه در بیت زیر است؟<br>«چون گشت زمین ز جور گردون      سرد و سیه و خموش و آوند»                                                                                                                                                                                         |                         |
| ۰/۲۵                      | ۴              | معنای واژه «طاق» در سروده «رخش را می‌دید و می‌پایید / رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی‌همتا / رخس رخشنده» با کدام گزینه یکسان است؟<br>الف) نهاده به طاق اندرون، تخت زر<br>ب) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است<br>ج) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف<br>نشانده به هر پایه‌ای در، گهر<br>چون روی پری‌رویان با رنگ و نگار است<br>بر نمط عشق اگر پای نهی، طاق نه                           |                         |
| ۰/۷۵                      | ۵              | املاي درست کلمات را از داخل کمانک انتخاب کنید.<br>الف) اگر کوه آتش بود بسپرم      ازین تنگ (خوار - خار) است اگر بگذرم<br>ب) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای (امارت - عمارت) بلند شد.<br>ج) صدای وی چنان با شوق و هیجان آمیخته بود که از شنیدن آن بر ما حالتی (غریب - قریب) دست می‌داد.                                                                                               |                         |
| ۰/۲۵                      | ۶              | در متن زیر واژه‌ای نادرست به کار رفته است، درست آن را بنویسید.<br>«نمی‌پذیرفتید، بهانه می‌آوردید و طفره می‌رفتید ولی اسرارهای من که بوی التماس می‌داد، عاقبت شما را متقاعد کرد.»                                                                                                                                                                                                        |                         |
| ۰/۵                       | ۷              | در کدام گزینه‌ها <u>غلط</u> املایی دیده می‌شود؟<br>الف) از صبح تا شب توی این دشت، پاره‌آجر و سنگ و کلوخ به جای مین کار می‌گذارم!<br>ب) برای کسانی که به آتش سرخ بن و بلوط خو گرفته بودند، ذغال منقل و نفت بخاری آفت بود.<br>ج) مرا به یاد شقاوت مردم دون و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود.<br>د) همیشه بر همه‌چی‌تان مسلط باشید. نگذارید که هیچ تمایل و خاسته‌ای بر شما مسلط شود. |                         |
| ۰/۵                       | ۸              | در گروه کلمات زیر دو <u>نادرستی</u> املایی به کار رفته است، درست آنها را بنویسید.<br>«مفرح ذات - استقرار سلاح‌ها - ماعده آسمانی - تجلی و قرب - حزین‌ترین لهن - بغض و اندوه - ناوردهای هول»                                                                                                                                                                                              |                         |
| ۰/۲۵                      | ۹              | در کدام گزینه «صفت مضاف‌الیه» وجود ندارد؟<br>الف) بدان‌گاه سوگند پرمایه شاه      چنین بود آیین و این بود راه<br>ب) جملگی مشتاق دیدار سیمرغ شدند و همه فریاد برآوردند که ما آماده‌ایم.<br>ج) بگو فلانی هنوز از خواب بیدار نشده و شرّ این غول بی‌شاخ و دم را از سر ما بکن.<br>د) فرهنگ و تمدن فرانسوی را حتی در دل دهات دورافتاده ایران مثل پاریز، فرابرده است.                           |                         |
| ۰/۵                       | ۱۰             | تفاوت معنایی فعل «بگذارم» را در عبارت‌های زیر بررسی کنید.<br>الف) محال است در میهمانی اول بعد از عروسی بگذارم از کسی چیز عاریه وارد این خانه بشود.<br>ب) چه جای آن است که من دست شاهان بگذارم و در بیابان‌های بی‌آب و علف در جست‌وجوی سیمرغ سرگردان شوم.                                                                                                                                |                         |
| ۰/۲۵                      | ۱۱             | در گروه اسمی عبارت «چنان باد کرده بود که راستی‌راستی تصوّر کردم دورأس هندوانه از جایی کش رفته و در آنجا مخفی کرده است.» نوع وابسته وابسته را بنویسید.                                                                                                                                                                                                                                   |                         |
| ۰/۲۵                      | ۱۲             | در کدام گزینه نوع «و» مشخص شده، متفاوت است؟<br>الف) غرق غباریم و غربت با من بیا سمت باران<br>ب) بعد از این وادی فقر است و فنا<br>ج) چنان آمد اسب و قبای سوار<br>د) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب<br>صد جویبار است اینجا در انتظار من و تو<br>کی بود اینجا سخن گفتن روا<br>که گفתי سمن داشت اندر کنار<br>تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهداند                                        |                         |



| ردیف                          | آزمون شماره ۴ شبه‌نهایی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه | کلید رشته‌ها | فارسی ۳ | نمونه آزمون نیمسال دوم |
|-------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------|--------------|---------|------------------------|
| نمره                          | Kheilisabz.com                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |                     |              |         |                        |
| ۱۳                            | درستی یا نادرستی عبارات‌های زیر را مشخص کنید.<br>(الف) در عبارت «درست در همان لحظه «یا مهدی» غریبانه‌ای گفتید و تفنگ از دستتان افتاد و من نفهمیدم چرا.» هر دو نوع حذف دیده می‌شود.<br>(ب) در عبارت «به حال خودتان نبودید! حتی اگر من صدایتان نمی‌کردم متوجه حضور من نمی‌شدید.» هر دو ضمیر پیوسته، نقش دستوری یکسان دارد.                                                                                                                                              | ۰/۵                 |              |         |                        |
| ۱۴                            | نمودار پیکانی وابسته و وابسته را در سروده زیر رسم کنید.<br>«آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند»                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| ۱۵                            | مفهوم «ان» واژه «بهاران» در سروده «در بهاران عشق من! خندهات را می‌خواهم» چیست؟                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| ۱۶                            | در همه گزینیه‌ها جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می‌شود به جز .....<br>(الف) عبور هواپیما از روی دریای مدیترانه آدمی را غرق دریای تصورات تاریخی می‌کند.<br>(ب) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.<br>(ج) نقاش و طراح همان توصیفات ویکتور هوگو را نقاشی کرده‌اند.                                                                                                                                                                               | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| ۱۷                            | نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.<br>گفت: «نزدیک است <u>والی</u> را سرای، آنجا شویم»<br>گفت: « <u>والی</u> از کجا در <u>خانه</u> خمار نیست؟»                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۵                 |              |         |                        |
| ۱۸                            | زمان فعل در جمله «عشق، هر کسی را به خود راه ندهد» با فعل مشخص شده در کدام عبارت یکسان است؟<br>(الف) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.<br>(ب) در آن می‌کوشند که خود را به <u>حسن</u> رسانند.                                                                                                                                                                                                                                                            | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| ۱۹                            | جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.<br>(الف) در جمله «ما <u>پرندگان</u> را نیز پیشوا و شهریار است.» واژه مشخص شده، نقش ..... دارد.<br>(ب) بیت «من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالتان و خوش حالان شدم» دارای ..... ترکیب وصفی است.<br>(ج) در سروده «روشنی را، بهار را / از من بگیر / اما خندهات را هرگز» نوع حرف ربط (پیوند) ..... است.                                                                                                                           | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| <b>ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)</b> |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |                     |              |         |                        |
| ۲۰                            | در هر عبارت و سروده، کدام آرایه ادبی داخل کمانک به کار رفته است؟<br>(الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد (استعاره - جناس همسان - تلمیح)<br>(ب) چون رود امیدوارم، بی‌تابم و بی‌قرارم من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو (مراعات نظیر - جناس - ایهام)<br>(ج) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارز و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید. (کنایه - سجع - تضاد)                                                                               | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| ۲۱                            | مفهوم کنایی «ماسیدن توطئه» در عبارت «دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد» چیست؟                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| ۲۲                            | بخش‌های مشخص شده در عبارات‌های زیر کدام آرایه ادبی را می‌آفرینند؟<br>(الف) از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم ناچار شده و به مار غاشیه حکومت <u>سرهنگ‌ها</u> پناه ببرد.<br>(ب) آن <u>جاده</u> روشن و خیال‌انگیزی که گویی یک‌راست به ابدیت می‌پیوندد، «شاهراه علی»، «راه مکه».                                                                                                                                                                                       | ۰/۵                 |              |         |                        |
| ۲۳                            | در کدام بیت شاعر بر پایه تشبیه بین دو مصراع ارتباط معنایی برقرار کرده است؟<br>(الف) سَر من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست<br>(ب) شانه می‌آید به کار زلف در آشفتگی آشنایان را در ایام پریشانی بپرس                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۲۵                |              |         |                        |
| ۲۴                            | هر یک از آرایه‌های ستون «ب» مربوط به کدام مورد ستون «الف» است؟ (یک آرایه اضافه است).<br>الف<br>ب<br>(الف) آن باغ پر از گل‌های رنگین شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی‌درد و بیدل پژمرد.<br>(ب) چو پیش پدر شد سیاوش پاک نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک<br>(ج) تا چشم بشر نبیند روی بنهفته به ابر، چهر دل‌بند<br>(د) نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر / اما خندهات را نه.<br>(۱) ایهام<br>(۲) نماد<br>(۳) حس آمیزی<br>(۴) پارادوکس<br>(۵) حسن تعلیل | ۱                   |              |         |                        |

| نمونه آزمون نیم سال دوم | کلیه رشته ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | فارسی ۳             |                        |
|-------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------|------------------------|
| ردیف                    | آزمون شماره ۴ شبه نهایی                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه | Kheilisabz.com<br>نمره |
| ۲۵                      | در بیت «چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نباید گزند» زمینه ..... حماسه دیده می شود.                                                                                                                                                                                                                                      | ۰/۲۵                |                        |
| ۲۶                      | نام خالق چند اثر در مقابل آن به درستی نیامده است؟<br>«فیه مافیه: مولوی - ارمیا: رضا امیرخانی - فی حقیقة العشق: عین القضات همدانی - تذکرة الاولیا: عطار - دری به خانه خورشید: قیصر امین پور - سانتاماریا: سید مهدی شجاعی»                                                                                                          | ۰/۲۵                |                        |
| ۲۷                      | نام سرایندگان آثار زیر را بنویسید.<br>الف) در حیاط کوچک پاییز در زندان<br>ب) مثل درخت در شب باران                                                                                                                                                                                                                                 | ۰/۵                 |                        |
| ۲۸                      | کدام یک از آثار زیر «ترجمه» است؟<br>الف) تمهیدات<br>ب) کلیله و دمنه<br>ج) سندبادنامه                                                                                                                                                                                                                                              | ۰/۲۵                |                        |
| ۲۹                      | بیت زیر را کامل کنید.<br>..... ای مُسلم شرف به کجا می کنی نگاه؟                                                                                                                                                                                                                                                                   | ۰/۵                 |                        |
| ۳۰                      | در شعر، ای میهن بعد از «تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن!» کدام بیت آمده است؟<br>الف) اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار<br>ب) به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم<br>ب) به هر سوی تو بُود روی سجودم، میهن ای میهن!<br>ب) به هر حالت که بودم با تو بودم، میهن ای میهن! | ۰/۲۵                |                        |
| ۳۱                      | مصراع اول بیت زیر را مرتب کنید.<br>رویت - جز - نمی روید - گل - به - دل - دشت - گیاهی<br>من این زیبا زمین را آزمودم، میهن ای میهن!                                                                                                                                                                                                 | ۰/۲۵                |                        |
| (پ) قلمرو فکری (۸ نمره) |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |                     |                        |
| ۳۲                      | مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.<br>الف) نی حدیث راه پرخون می کند<br>ب) در عشق کسی قدم نهد کیش جان نیست<br>قصه های عشق مجنون می کند<br>با جان بودن به عشق در، سامان نیست                                                                                                                                                         | ۰/۲۵                |                        |
| ۳۳                      | ضرب المثل «چون تیری که از شست رفته باز نمی گردد» با کدام یک از ابیات زیر ارتباط معنایی دارد؟<br>الف) سخن گفته دگر باز نیاید به دهان<br>ب) گلّه ما را گله از گرگ نیست<br>اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد<br>کاین همه بیداد شبان می کند                                                                                             | ۰/۲۵                |                        |
| ۳۴                      | در بیت زیر شاعر علاوه بر ارتفاع به کدام ویژگی کوه دماوند اشاره می کند؟<br>«تو مشیت در شست روزگاری از گردش قرن ها پس افکند»                                                                                                                                                                                                        | ۰/۲۵                |                        |
| ۳۵                      | جمله دوم عبارت «همان پدری که اسب هایش اسم و رسم داشتند؛ همان پدری که ایلخانی قشقای بر سفره رنگینش می نشست.» بیانگر کدام مورد است؟<br>الف) گرامی و محترم بودن پدر نویسنده<br>ب) بخشنده و کریم بودن پدر نویسنده                                                                                                                     | ۰/۲۵                |                        |
| ۳۶                      | در هر یک از عبارت های زیر منظور از کلمات مشخص شده چه کسی است؟<br>الف) ناله های گریه آلود آن روح دردمند و تنها را می شنوم، ناله های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را.<br>ب) وزین دختر شاه هاماوران<br>پر اندیشه گشتی به دیگر کران                                                                                               | ۰/۵                 |                        |
| ۳۷                      | مفهوم بیت «آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند» چیست؟                                                                                                                                                                                                                                              | ۰/۵                 |                        |
| ۳۸                      | با توجه به مراحل عرفان از دیدگاه عطار «بی نیازی سالک از هر چیز جز خدا» با کدام یک از ابیات زیر در یک مرحله قرار می گیرد؟<br>الف) مال اینجا بایدت انداختن<br>ب) هشت جت نیز اینجا مرده ای است<br>ملک اینجا بایدت در باختن<br>هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است                                                                         | ۰/۵                 |                        |
| ۳۹                      | منظور از کلمات مشخص شده در عبارت و بیت زیر چیست؟<br>الف) فُراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.<br>ب) هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست<br>دل افسرده، غیر از آب و گل نیست                                                                                                                                                   | ۰/۵                 |                        |

| نمونه آزمون نیم سال دوم |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | کلیه رشته‌ها        | فارسی ۳        |
|-------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------|----------------|
| ردیف                    | آزمون شماره ۴ شبه‌نهایی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه | Kheilisabz.com |
| ۴۰                      | با توجه به نوشته‌های زیر مقصود از بخش‌های مشخص شده چیست؟<br>الف) تو اگر آن مایه کرامت را از مادر به میراث داشتی، می‌بایست همانند با درختان بارور، بخشنده‌گی و ایثار را سراپا دست باشی.<br>ب) نخستین روزی که از پاریز خارج شدم، سیرجان را آخر دنیا حساب می‌کردم.                                                                                                                                                                                                                                                                          |                     |                |
| ۴۱                      | شاعر در بیت «وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند/ تا در زمانه باقی است آواز باد و باران» ویژگی عشق خود را در چه می‌داند؟                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |                     |                |
| ۴۲                      | معنی و مفهوم اشعار و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.<br>الف) اگر دیدی، به ناگاه/ خون من بر سنگ‌فرش خیابان جاری است/ بخند، زیرا خنده تو/ برای دستان من/ شمشیری است آخته.<br>ب) به نیروی یزدان نیکی دهش / کزین کوه آتش نیابم تپش<br>ج) عشق آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت دیگری ننهد.<br>د) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.<br>ه) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید و نگاهش مثل خنجر بود.<br>و) نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد.<br>ز) محو او گشتند آخر بر دوام.<br>ح) گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان. |                     |                |
|                         | «موفق باشید»                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |                     |                |



**ز** گفت: فقط همان رتبه‌های بالا را دعوت کن و بقیهٔ دوستان را فعلاً کنار بگذار و بگذار منتظر مهمانی بعدی باشند. **ح** با وجود این که فقیرم و شاد نیستم، آسودگی خاطری دارم که پادشاهی چون جمشید هم از آن بی‌بهره بود.

## ✓ پاسخ‌نامهٔ آزمون شمارهٔ ۴

۱. صحیفه: کتاب

۲. دردمند

۳. آوند

۴. گزینهٔ «ج»: در هر دو سروده، طاق به معنای یگانه و تک است. در بیت (الف) به معنای ایوان و در بیت (ب) به معنای سقف خمیده و محدب است.

۵. الف خوار (آسان) ب عمارت (ساختمان) ج غریب (ناآشنا)

۶. اصرار (به معنی پافشاری)

۷. گزینهٔ «ب» و گزینهٔ «د» (املاي درست گزینهٔ (ب): زغال، گزینهٔ (د): خواسته)

۸. مانده - لحن

۹. گزینهٔ «ب» (گزینهٔ (الف): سوگند شاه پرمایه. گزینهٔ (ج): شر این غول بی شاخ و دم. گزینهٔ (د): دل دها ت دور افتاده)

۱۰. الف اجازه بدهم ب رها کنم

۱۱. ممیز (دو رأس هندوانه ← دو: صفت شمارشی، رأس: ممیز، هندوانه: هسته)

۱۲. گزینهٔ «د»، «و» در این گزینه بین دو جمله آمده و از نوع ربط است (از خویش تهی شد و نی‌اش نام نهادند)؛ در سایر گزینه‌ها «و» از نوع عطف است:

گزینهٔ (الف): غرقِ غبار و غربتیم گزینهٔ (ب): وادی فقر و فنا گزینهٔ (ج): اسب و قبا

۱۳. الف نادرست (فعل «افتاد» از انتهای عبارت (بعد از چرا) به قرینهٔ لفظی حذف شده است، اما حذف معنایی در این عبارت نداریم. (یا مهدی مفعول است نه منادا)

ب نادرست (خودتان: مضاف‌الیه، صدایتان (شما را صدا نمی‌کردم): مفعول)

۱۴. کلید گنج مروارید

(کلید: هسته، گنج: مضاف‌الیه برای کلید و مروارید: مضاف‌الیه برای گنج)

۱۵. زمان (هنگام و زمان بهار)

۱۶. گزینهٔ «ج»

(آدمی را غرق دریای تصورات قدیمی می‌کند، آن را عشق می‌خوانند)

۱۷. والی: مضاف‌الیه (سرای والی: رأی فک اضافه) خانه: متمم فعل مسند فعل مفعول مسند فعل

۱۸. گزینهٔ «الف» (راه ندهد = راه نمی‌دهد: مضارع اخباری، گرداند = می‌گرداند: مضارع اخباری، بیند = می‌بیند: مضارع اخباری، می‌کوشند: مضارع اخباری، رسانند = برسانند: مضارع التزامی)

۱۹. الف بدل (پرنده‌گان برای توضیح بیشتر دربارهٔ «ما» آمده است). ب یک

(هر جمعیتی) ج همپایه‌ساز (اقا پیوند همپایه‌ساز است).

۲۰. الف تلمیح (نیست باد در هر دو مصراع جناس همسان، آتش در مصراع دوم

استعاره از عشق) ب جناس (قرار: ایهام در دو معنای: وعده و آرامش، رود و دریا: مراعات نظیر) ج کنایه (ارزد و آید: سجع، سودا و زیرکی: تضاد)

۲۱. به ثمر رسیدن نقشه، به انجام رسیدن و عملی شدن نقشه

۲۲. الف مجاز (از حکومت نظامی‌ها) ب استعاره (از کهکشان)

۲۳. گزینهٔ «ب» (آرایهٔ مورد نظر اسلوب معادله است).

۲۴. الف پارادوکس (سموم سرد) ب ایهام (پاک: تمیز و بی‌گناه)

ج حسن تعلیل (دلیل پشت ابر رفتن کوه دماوند، بیزاری از مردم دانسته شده است). د نماد (نان و هوا نماد ضروریات زندگی)

۲۵. ملی و قومی (طبق عقیدهٔ پیشینیان، فرد بی‌گناه از روزگار آسیبی نمی‌بیند).

۲۶. دو (فی حقیقهٔ العشق: شیخ شهاب‌الدین سهروردی، دری به خانهٔ خورشید:

سلمان هراتی)

۲۷. الف مهدی اخوان ثالث ب محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)

۲۸. گزینهٔ «ب» (کلیله و دمنه: ترجمهٔ نصرالله منشی)

۲۹. از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک؟

۳۰. گزینهٔ «ب»

۳۱. به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید

۳۲. دشواری‌های راه عشق (جان‌فشانی در راه عشق)

۳۳. گزینهٔ «الف» (مفهوم هر دو برگشت‌ناپذیری کار انجام شده است).

۳۴. قدمت و دیرینگی

۳۵. گزینهٔ «الف» (ایلخانی قشقایی نیاز به بخشندگی و کرم کسی ندارد؛ او

افتخار داده و مهمان پدر گرامی و محترم نویسنده شده)

۳۶. الف حضرت علی ب سودابه

۳۷. ضرورت وجود مرشد و پیر و پیروی از او

۳۸. گزینهٔ «ب»: توضیح صورت سؤال مربوط به واژهٔ استغنا (وادی چهارم) است.

۳۹. الف چمن و سبزه ب عشق

۴۰. الف طبیعت ب فراتر و دورتر از آن در ذهنم نمی‌گنجید.

۴۱. ماندگاری و جاودانگی

۴۲. الف (ای معشوق) اگر دیدی من در حال مردن هستم/ تو شاد باش و بخند/

زیرا دیدن خندهٔ تو برای من چون شمشیر برکشیده‌ای است که به من قوت می‌دهد.

ب به کمک خداوند عطاکنندهٔ نیکی از این هیزم‌های به آتش کشیده، نگرانی و

اضطرابی ندارم. ج عشق مانند آتش است که هر جا باشد فقط او می‌تواند آن‌جا

اقامت کند. د یکی از عارفان در حال نگاه‌داشتن دل از توجه به غیر خدا بود.

ه مرد نقال صدایش پر از ناله بود و نگاه خشمناک و تیزی داشت. و توجهی

به چین و چروک و ناتوانی‌های پیری ندارد. ز سرانجام همگی در او محو شدند.

(به فنا رسیدند). ح گفت: رشوهای به من بده و خودت را نجات بده.

## ✓ پاسخ‌نامهٔ آزمون شمارهٔ ۵

پاسخ‌نامه‌ای که برای این آزمون ملاحظه می‌کنید، همان پاسخ «قابل

استناد» و رسمی آموزش و پرورش است.

۱. بهره‌ور (۰/۲۵)

۲. سرگردانی (۰/۲۵)

۳. صفوت یا مصطفی (۰/۲۵)

۴. گزینهٔ «ب» یا «الف» (۰/۲۵)

۵. الف عن قریب (۰/۲۵)

ب هول (۰/۲۵)

ج مأمور (۰/۲۵)

۶. گزینهٔ «ب» یا نشعه (۰/۲۵)

گزینهٔ «د» یا بگزارم (۰/۲۵)

۷. شیخ (۰/۲۵)

۸. طبق (۰/۲۵) / ثنا (۰/۲۵)

۹. الف درست (۰/۲۵) / نادرست (۰/۲۵)

۱۰. گزینهٔ «ج» یا هر که داند گفت با خورشید راز/ کی تواند ماند با یک ذره باز؟

(۰/۲۵)

۱۱. سؤال حذف شد و نمرهٔ آن به پاسخ سؤال ۱۳ تعلق گرفت.

۱۲. الف مسند (۰/۲۵)

ب معنوی یا معنایی (۰/۲۵)

ج بدل (۰/۲۵)

۱۳. شرح درد اشتیاق، کشیدن پیکان از «اشتیاق» به «درد» (۰/۲۵)، کشیدن

پیکان از زیر «درد اشتیاق» به «شرح» (۰/۲۵)

۱۴. ربط یا پیوند (همپایه‌ساز) (۰/۲۵)

۱۵. گزینهٔ «الف» یا بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. (۰/۲۵)

(صفحهٔ ۱۳)